

چهره‌نما

CHEHREH NAMA

نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

سال سی و هشتم • زمستان ۳۷۵۸ زرتشتی • ۱۴۰۰ خورشیدی • ۲۰۲۱ میلادی • شماره ۱۹۹



مقایسه نگرش جوانان زرتشتی

ساکن تهران و کالیفرنیا

نسبت به دین و جامعه زرتشتی

اَشْم. وُهَو. وُهیشْتِم. اَستی
اوشْتا. اَستی
اوشْتا. اَهْمائی. هُیت. اَشایی. وُهیشْتائی. اَشْم

اشویی بهترین نیکی است.
خوشبختی و روشنایی است.
از خوشبختی راستین کسی بهره می گیرد که خواستار بهترین اشویی باشد.

پِتا اهو وِبرِیو
اتا رَتوش. اشات چیت. هَچا
وَنگِهَتوش. دَزدا. مَنگِهَو
شِیَوْتَنه نام. اَنگِه اوش. مَزدایی
خَشْتَرَم چا. اهورایی آ
بیم. دریگوبیو. دَدَت. واستارم

جهان آرمانی آنچنان که آموزگار راستی (زرتشت) آرزو می کند، باهنجار و سرشار
از راستی است.
بخشش نیک اندیشی برای رفتار نغز در زندگی و هماهنگی با خواست
اهورامزداست.
شهرباری مینوی اهورا نگاهبان پارسایان است.

- برگیری از نوشته های چهره نما با چاپ نام نویسنده و نشانی تارنما آزاد است.
- چهره نما در گزینش و ویرایش نوشته های رسیده آزاد است و نوشته های رسیده بازگردانده نمی شوند.
- دیدگاه های بازتاب شده در نوشته ها همیشه گویای دیدگاه های انجمن دبیران چهره نما نمی باشد.
- چهره نما مرکز زرتشتیان کالیفرنیا، نشریه ایست دینی، اجتماعی، تاریخی، ادبی و فرهنگی که به هیچ دسته و گروه سیاسی بستگی ندارد.

Trust of Morvarid Give
c/o Mina Soroosh
PO Box 4940 Los Angeles, CA 90049

چهره نما

CHEHREH NAMA

نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

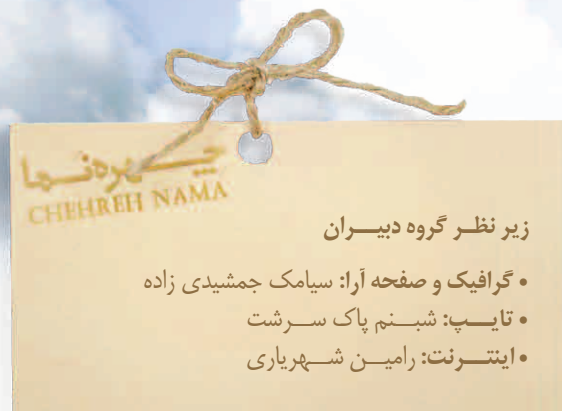
www.czcjournal.org • No 199

سخن گروه مدیران

با درود

هموندهای گروه مدیره شاخه های مرکز زرتشتیان کالیفرنیا سرافراز است که می تواند در دو سال آینده به همکیشان خدمت نمایند. سپاس اهورامزدا که اعتماد شما را داشته ایم و کوشش خواهیم کرد که مرکز زرتشتیان را تا آنجایی که در توان داریم به پیش ببریم. پس از دو سال دوران سخت و دشوار کوید، نیاز به همراهی شما همکیشان برای آغازی دوباره در پی گسترش بسیاری از فعالیت ها را داریم. در این راستا همفکری، همیاری و دهش های شما میتواند ما را به رسیدن به این آرمان ها نزدیکتر سازد.

بر نیکی ها سپاس



سُخن نخست



سخن گفتن پیرامون فرهنگ ایرانی-زرتشتی بسیار دشوار است. چرا که پشتوانه این فرهنگ چند هزارساله که تاثیر گرفته از آموزه های اشوزرتشت است، مملو از تجربه ها و فراز و نشیب های گوناگون است که اگر ما بتوانیم با همازوری و بهره از امکانات و تکنولوژی آن را گسترش و پرورش دهیم، هازمان ما نه تنها یکی از پیشروترین هازمان ها می شود بلکه می تواند با این فرهنگ غنی دیگر گروه ها و جامعه ها را هم تحت تاثیر قرار دهد.

بی گمان همه کسانی که تلاش می کنند تا از خرد خویش بهره بگیرند و در راه دانش اندوزی و گسترش آن در جامعه خود و دیگران قدم بر دارند، در راه گسترش فرهنگ و آموزه های اشوزرتشت گام بر می دارند.

گات ها هات ۳۱ بند ۶ می فرماید:

دانایی که آیین راستی را گسترش دهد و مردم را از پیام مقدسی که آن ها به رسایی و جاودانی و حقیقت رهنمون است، آگاه سازد از بهترین خوشبختی برخوردار خواهد شد. چنین شخصی بی گمان از نیروی اهورایی که در پرتو منش پاک افزایش می یابد بهره مند خواهد گردید.

بشود که همه ما بتوانیم با دانش اندوزی و خرد خویش به ژرفای فرهنگ و آموزه های اشوزرتشت پی ببریم و آن را گسترش دهیم و می توانیم این کار را از خانواده خود آغاز کنیم و به فرزندانمان آموزش های بر گرفته از فرهنگ و آیین اهورایی را بدهیم و برای این منظور ارگان های مختلف هازمان باید نسبت به ایجاد فضا های آموزشی و در دسترس قرار دادن آگاهی های لازم اقدام نمایند.

و شایسته است که از آموزگاران و افرادی که در جهت حفظ و نگه داری و گسترش این فرهنگ غنی و دین بهی به خصوص خارج از مرزهای میهن عزیزمان ایران کوشش می کنند قدردانی نماییم و آنها را به همگان معرفی کنیم. قدردان مرکز زرتشتیان کالیفرنیا هستم که برای شناسایی و معرفی این افراد پیش قدم شده است.

سبز و مانا باشید
جمشید جمشیدی

فردوسی



به نیکی بیاید تن آراستن
که نیکی نشاید ز کس خواستن
و گر بد کنی، جز بدی ندروی
شی در جهان شادمان نغنی
نمانیم کین بوم ویران کنند
همی غارت از شهر ایران کنند
نخوانند بر ما کسی آفرین
چو ویران بود بوم ایران زمین
دریغ است ایران که ویران شود
کنام پلنگان و شیران شود

نباشد همی نیک و بد، پایدار
همان به که نیکی بُد یادگار
دراز است دست فلک بر بدی
همه نیکویی کن اگر بخردی
چو نیکی کنی، نیکی آید برت
بدی را بدی باشد اندر خورت
چو نیکی نمایند، کیهان خدای
تو با هر کسی نیز، نیکی نمای
مکن بد، که بینی به فرجام بد
ز بد گردد اندر جهان، نام بد

مقایسه نگرش جوانان زرتشتی ساکن تهران و کالیفرنیا نسبت به دین و جامعه زرتشتی

مرزبان ایزد



چکیده

پدیده مهاجرت و کاهش جمعیت زرتشتیان باعث پراکندگی بیشتر زرتشتیان در سراسر جهان شده است، همین امر لزوم ارتباط و درک تفاوت‌های و شباهت‌های جوامع زرتشتی در کشورهای گوناگون را بیشتر کرده است و باعث شد تا این پژوهش را آغاز کنیم. هدف از انجام این پژوهش، درک شباهت‌ها و تفاوت‌های جوانان زرتشتی ساکن در کالیفرنیا و تهران است و این سوال که آیا لازم است که میان جوامع زرتشتی گوناگون ارتباط برقرار شود یا خیر، پاسخ داده شود. در این پژوهش سعی شده است با استفاده از روش گروه کانونی (Focus Group) و طرح ۸ پرسش یکسان از دو گروه کانونی که جوانان ساکن در تهران و کالیفرنیا بودند، پاسخ خود را به سوالات خود بیاوریم. این دو گروه علی‌رغم تفاوت در برداشت خود از دین یا ارتباط و صمیمیت خود با دیگر زرتشتیان در منطقه زندگی خ.ی، هر دو به لزوم برقراری ارتباط میان جوامع زرتشتی کشورهای گوناگون اذعان داشتند و هر دو به این نکته تاکید داشتند که باید راهکاری برای حفظ این دین که با سختی بسیار از گذشتگان به ما به ارث رسیده است، اندیشیده شود. در نهایت به نظر نگارنده، باید این ارتباط را میان جوامع مختلف جوانان زرتشتی در کشورهای مختلف علی‌رغم وجود تفاوت‌های اساسی ایجاد کنیم تا بتوانیم پیوند و هم‌آزوری خود را با یکدیگر گسترش دهیم. واژه‌های کلیدی: مهاجرت، جوان، گروه کانونی، تهران، کالیفرنیا

مقدمه

با نگاه به پیشینه جامعه زرتشتی، مشاهده می‌کنیم که این جامعه در طول تاریخ خود، فراز و نشیب‌های زیادی را تجربه کرده است تا به شرایط حال حاضر رسیده‌ایم. از به قدرت رسیدن دین در دوران ساسانیان تا دشواری‌های نیاکان ما برای حفظ و پایداری این دین و جامعه پس از حمله اعراب، بیانگر این مسیر پر پیچ و خم است. در دوران کنونی، با پدیده‌هایی همچون مهاجرت و همچنین رشد سریع تکنولوژی و رسانه‌های اجتماعی مواجه شدیم که این پدیده‌ها باعث به وجود آمدن چالش‌ها و فرصت‌هایی شده است. چالشی که پدیده مهاجرت ما را با آن روبرو کرده است، پراکندگی جمعیت به نسبت کم زرتشتیان در کشورهای مختلف است که خواه ناخواه باعث تاثیر قرار گرفتن مهاجران از فرهنگ غالب می‌شود و این تاثیر در نسل‌های آینده، بیشتر رخ می‌نماید تا جایی که پس از یک یا دو نسل، تفاوت‌های بسیار زیادی بین زرتشتیانی که از ایران مهاجرت کرده‌اند و نسل‌های بعدی آنها، با زرتشتیان ساکن ایران مشاهده می‌شود.

همچنین با توجه به گسترش ابزارهای ارتباطی مدرن، این فرصت ارزشمند به وجود آمده است که زرتشتیان نقاط مختلف جهان، بتوانند تعامل میان یکدیگر را افزایش دهند و همچنین می‌تواند فرصت یادگیری را به وجود آورد و باعث غنای فرهنگی هازمان جهانی زرتشتیان شود. همچنین اذهان بسیاری از زرتشتیان جهان با سوالاتی پیرامون مسائل فلسفی، فرهنگی و اجتماعی

درگیر است که این دین جهانی باید بتواند به مسائل روز انسانها پاسخ دهد. در این پژوهش سعی شده است که با مصاحبه با جوانان زرتشتی ساکن در کالیفرنیا و تهران، بتوان نقاط اشتراک این جوامع را تا حدی دریافت و همچنین تفاوت‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی این جوامع را تا حدی بررسی کنیم. در پژوهش پیش رو، ابتدا به معرفی پیشینه جوامع زرتشتی هدف یعنی جوامع تهران و کالیفرنیا می‌پردازیم. سپس روش بررسی و گفت و گو را مورد بررسی قرار می‌دهیم. سپس به معرفی افراد حاضر میان مصاحبه‌شوندگان، پرداخته می‌شود و به بیان دیدگاه جوانان زرتشتی در این دو جامعه و بررسی شباهت و تفاوت های آنها خواهیم پرداخت.

در نهایت می‌خواهیم پاسخ سوالات زیر را بیابیم:

- ۱- دیدگاه جوانان زرتشتی ساکن تهران و کالیفرنیا چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد؟
- ۲- دیدگاه جوانان زرتشتی ساکن تهران و کالیفرنیا چه شباهت‌هایی دارد؟
- ۳- با توجه به این تفاوت‌ها و شباهت‌ها امکان گفتگو و همفکری بین این دو جامعه وجود دارد؟
- ۴- آینده جوامع زرتشتی در نظر این جوانان چگونه است؟

در نهایت به نظر نگارنده، باید این

ارتباط را میان جوامع مختلف جوانان

زرتشتی در کشورهای مختلف علی‌رغم

وجود تفاوت‌های اساسی ایجاد کنیم

تا بتوانیم پیوند و هم‌آزوری خود را با

یکدیگر گسترش دهیم.

روش تحقیق

جامعه مورد مطالعه

برای اینکه بتوانیم هدف خود را محقق کنیم و سعی کنیم پاسخی برای پرسش‌های مطرح شده بیابیم باید حداقل دو جامعه متفاوت را هدف قرار دهیم. بدین منظور، جامعه زرتشتیان تهران و کالیفرنیا را گزینش کردیم. این گزینش جوامع بر پایه دلایل زیر بود:

۱- دسترسی نسبتاً آسان و سریع به افراد حاضر در این جوامع برای انجام مصاحبه
۲- این دو جامعه، از پر جمعیت‌ترین و مهم‌ترین مراکز از لحاظ تعداد افراد زرتشتی ساکن در ایران و آمریکا هستند.

۳- به دلیل اینکه آمریکا و به خصوص ایالت کالیفرنیا، از مهم‌ترین مقاصد مهاجرت زرتشتیان است، می‌توان اثر مهاجرت را بر ویژگی‌های زرتشتیان مهاجر، مشاهده کرد.

حال خلاصه‌ای از وضعیت این دو جامعه را شرح می‌دهیم:

جامعه زرتشتیان تهران

یکی از پر جمعیت‌ترین مراکز زرتشتی‌نشین را در ایران تشکیل می‌دهد. جمعیت زرتشتیان استان تهران، طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، ۸۵۶۷ نفر بوده است. لازم به ذکر است که تعداد کل زرتشتیان ایران در این سرشماری ۲۳۱۰۹ نفر بوده است که استان تهران بیشترین تعداد زرتشتیان را نسبت به دیگر استان‌های زرتشتی‌نشین دارد. با توجه به وجود مدارس و مهدکودک‌های مخصوص دانش‌آموزان زرتشتی و

همچنین کلاس‌های دینی، می‌توان گفت که این مراکز و کلاس‌های آموزشی، مهم‌ترین مراکز آشنایی و گردهمایی کودکان و نوجوانان زرتشتی است. همچنین کانون دانشجویان زرتشتی - که مصاحبه‌شوندگان از اعضای این ارگان بودند - که از تاسیس و شروع به کار آن بیش از ۵۰ سال می‌گذرد، یکی از مهم‌ترین ارگان‌های جامعه زرتشتی در ایران است. این ارگان که اعضای آن را دانشجویان فعال زرتشتی تشکیل می‌دهد، با برگزاری برنامه‌هایی در زمینه‌های متفاوت دینی، آموزشی، ورزشی، هنری و ... و همچنین وجود شوراها در این راستا، باعث گردهمایی بسیاری از دانشجویان زرتشتی در محیط کانون می‌شود و یکی از مهم‌ترین ابزارهای حفظ ارتباط میان جوانان زرتشتی است.

بسیاری دیگر از ارگان‌های مهم جامعه زرتشتی، از جمله انجمن زرتشتیان تهران، سازمان جوانان زرتشتی و ... در این شهر زرتشتی‌نشین قرار دارند.

جامعه زرتشتیان کالیفرنیا

یکی از پر جمعیت‌ترین مراکز زرتشتی‌نشین در آمریکای شمالی و کشور ایالات متحده آمریکا است. در سال ۲۰۱۲، تعداد زرتشتیان کشور آمریکا ۱۴۴۰۵ نفر ذکر شده است که پس از هند و ایران، سومین کشور از نظر جمعیت شهروندان زرتشتی است. یکی از دلایلی که تعداد زرتشتیان در این منطقه نسبت به تعداد زرتشتیان کل جهان قابل توجه است، مهاجرت

بسیاری از زرتشتیان از کشورهای مثل ایران و هند به این کشور است. یکی از مهم‌ترین ایالت‌های آمریکا از نظر جمعیت زرتشتی ساکن، ایالت کالیفرنیا است. از مهم‌ترین ارگان‌های مربوط به جامعه زرتشتی در این ایالت، مرکز زرتشتیان کالیفرنیا است.

تاریخچه ایجاد مرکز زرتشتیان کالیفرنیا به سال ۱۹۸۰ میلادی بر می‌گردد. این مرکز توسط رستم گیو بنیانگذاری شده است و یک ارگان دینی-اجتماعی است. این ارگان جشن‌ها و مراسم‌های مربوط به زرتشتیان را برگزار می‌کند و همچنین برنامه‌های مختلف آموزشی، دینی، هنری و را نیز برگزار می‌کند. همچنین آموزش دین زرتشتی و همچنین آشنایی افراد غیرزرتشتی علاقمند با فرهنگ زرتشتی نیز از دیگر کارهای انجام شده توسط این ارگان است.

نحوه گزینش نمونه آماری

برای گزینش جامعه آماری خود، سعی کردیم که روی قشر جوان هر کدام از دو جامعه تهران و کالیفرنیا به متمرکز شویم. انتخاب این قشر به دلیل این بود که تنوع و گستردگی افراد از لحاظ اعتقادی، معمولاً در این سنین بروز پیدا می‌کند و به عنوان قشر آینده‌ساز جامعه، نقش مهمی را نیز بر عهده دارند. در تهران نمونه آماری خود را از میان دانشجویان فعال کانون دانشجویان زرتشتی انتخاب کردیم و همچنین از طریق مرکز زرتشتیان کالیفرنیا، جوانان زرتشتی این ایالت، برای گفت و گو، انتخاب شدند.

ویژگی‌های نمونه آماری انتخاب شده

نمونه آماری انتخاب شده در تهران، ۵ نفر از جوانان دانشجوی زرتشتی فعال در کانون دانشجویان زرتشتی هستند. بازه سنی این افراد بین ۲۰ تا ۲۶ سال و همگی دانشجوی مقطع کارشناسی یا کارشناسی ارشد هستند. والدین این افراد نیز هر دو زرتشتی هستند.

نمونه آماری کالیفرنیا، همگی از قشر دانشجو یا فارغ التحصیل از دانشگاه هستند. تعداد این افراد ۶ و بازه سنی این افراد بین ۲۰ تا ۲۷ سال است. حداقل یک فرد از والدین این افراد در خانواده‌ای زرتشتی یا پارسی، به دنیا آمده است و دو نفر از این گروه، از ایران به آمریکا مهاجرت کرده‌اند.

روش تشکیل جلسات

روشی که ما برای بررسی نمونه‌های آماری خود انتخاب کردیم، روش گروه کانونی است. در این روش با طرح یک سری سوال از پیش تعیین شده است که همزمان از افراد حاضر در جلسه پرسیده می‌شود.

این جلسات در دو گروه مجزا به ترتیب برای گروه‌های کانونی تهران و کالیفرنیا برگزار شد. با توجه به شرایط شیوع ویروس کووید ۱۹ و همچنین بعد مسافت، تمامی این دو جلسه از طریق اسکایپ تشکیل شدند.

در این جلسات ابتدا، هر یک از سوالات از پیش طرح شده، پرسیده شد و سپس هر کدام از افراد حاضر به این سوالات جواب می‌دادند و در صورت لزوم روی پاسخ‌ها بحث بیشتر می‌شد.

ابتدا در این پژوهش داده‌های خام مصاحبه‌ها جمع‌آوری شده و سپس سعی شده با روش‌های مختلف آن‌ها را تحلیل کرده و تفاوت‌ها و شباهت‌های دو جامعه و ویژگی هر کدام از آن‌ها را بیابیم.

پرسش‌های مطرح شده

سوالات زیر به ترتیب از افراد حاضر در این گروه‌های کانونی پرسیده شد:

- ۱- تعریف شما از زرتشتی بودن چیست؟
- ۲- چه بخشی از دین زرتشتی برای شما جذاب است؟ (مثلاً سنت‌ها، فلسفه و...)
- ۳- به چه چیز در گذشته زرتشتیان افتخار می‌کنید؟
- ۴- چه شخصیت تاریخی زرتشتی برای شما الهام بخش است؟
- ۵- چند درصد از دوستان صمیمی شما زرتشتی هستند؟
- ۶- به نظر شما چه بخشی از دین یا آیین زرتشتی جای اصلاح دارد؟ (آیا دین یا آیین زرتشتی نیاز به اصلاح دارد؟ اگر بله، کدام بخش؟)
- ۷- آیا لزومی به برقراری ارتباط میان جوامع مختلف زرتشتی احساس می‌کنید؟ اگر آری، در چه زمینه‌ای؟
- ۸- به نظر شما آینده جامعه زرتشتی به چه صورت خواهد بود؟

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل

در ابتدا برای هر کدام از سوالات مطرح شده در قسمت قبل، صورت سوال و پاسخ دو گروه کانونی به شکل مجزا مطرح می‌شود و سپس به تجزیه و تحلیل هر کدام از آن‌ها می‌پردازیم:

۱- تعریف شما از زرتشتی بودن چیست؟

نام پاسخ‌دهنده	پاسخ
Shahyan	یک سری بیان‌های فلسفی است که هر فرد می‌تواند بر پایه اش، تفسیر خود را از آنها به کار برد و همین نکته آن را بسیار جذاب است.
Shawyon	اندیشه، گفتار و کردار نیک که در زندگی خود به کار می‌برم. نکته جذاب این است که افرادی در ایران با همین تفکر هستند که می‌تواند با آنها درباره آنها تعامل کند.
Paria	یک دیدگاه فلسفی است و پایه آن همان اندیشه، گفتار و کردار نیک است و انجام دادن کار درست است. فقط جمع شدن در معبد و خواندن اوستا نیست و یک فلسفه‌ای است که در زندگی روزمره خود به کار می‌برد.
Shirin	یک فلسفه است اگر کار درست انجام بدهیم، نتیجه اش به ما بر می‌گردد و اگر نه، بالاخره نتیجه آن عمل نادرست را دریافت می‌کنیم.
	برای ما که در آمریکا هستیم جمع شدن در معبد است و یک جامعه کوچک است و سعی در حفظ رابط دارند.
Bijan	علاوه بر بعد دینی یک جامعه فرهنگی است با ارزش‌های مشترک که در سراسر دنیا وجود دارد.
Delaram	یک فلسفه راه زندگی که بر پایه اندیشه و گفتار و کردار نیک بنا شده است و زندگی خود را بر پایه خرد خود بنا کرده و تصمیم‌گیری‌های ما بر اساس آن خرد و ذهنیت باشد چون خودمان قراره نتیجه آن کارها را دریافت کنیم.

- گروه کانونی تهران

نام پاسخ‌دهنده	پاسخ
سیاوش	مجموعه ای از فرهنگ‌ها، باور دینی و نگاه مشترک(نرم افراز ذهنی) به جهان بیرون که می‌تواند در طول زمان از شرایط نیز تاثیر پذیرد.
پریسا	یک حس قوی در اعماق وجود که باعث میشود به یک سری اصول پایند باشیم و زیربنای آنها باشد.
آناهیتا	علاوه بر نرم افراز ذهنی باید فرد با یک بستر فرهنگی خاص باشد یا آشنایی با پیشینه تاریخی داشته باشد و برای مثال با گاتها و اوستا در زندگی خود برخورد داشته باشد.
خشایار	یک سری اصول و عقاید که به دلخواه آدم، تاثیر درونی و بیرونی دارد. تاثیر درونی آن باید باشد و باید این دو تاثیر وجود داشته باشد و صرفا اعتقاد کافی نیست.
ارشیا	یک صفت که به ما به ارث رسیده است و می‌تواند تاثیر زیادی روی دیگر صفت و زندگی فرد قرار دهد(مانند محدود شدن مدارس و گروه دوستی) ولی شخص می‌تواند تحت الشعاع قرار نگیرد.

تحلیل :

ابتدا تلاش می‌شود تا ابعاد اشاره شده از تعریف دین زرتشتی در ذهن هر کدام از افراد تفکیک شود.

- گروه کانونی کالیفرنیا

نام پاسخ‌دهنده	فرهنگی	اجتماعی	فلسفی و دینی	فطری(درونی)	موروثی موروثی(دارای پیشینه یا پیش‌زمینه فکری)	کاربرد در زندگی	پایبندی به اصول
Shahyan							
Shawyon							
Paria							
Shirin							
Bijan							
Delaram							

روه کانونی تهران

نام پاسخ‌دهنده	فرهنگی	اجتماعی	فلسفی	فطری(درونی)	موروثی(دارای پیشینه فرهنگی و تاریخی یا پیش‌زمینه فکری)	کاربرد در زندگی	پایبندی به اصول
سیاوش							
پریسا							
آناهیتا							
خشایار							
ارشیا							

رنگ سبز کم‌رنگ در تحلیل بالا نشان‌دهنده این است که به شکل کم یا غیر مستقیم به اصول پایه (مثل اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک یا اشا) شده است. **شباهت(ها):** هر دو گروه، به بعد اجتماعی دین و کارکرد اجتماعی آن در شکل‌گیری یک اجتماع باور دارند.

تفاوت(ها): گروه کالیفرنیا، خیلی تمرکز روی بعد فلسفی و کاربردی بودن این اندیشه‌های پایه (مانند اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک یا اشا) در زندگی متمرکزند اما در گروه تهران این گونه نیست.

همچنین گروه تهران به فطری بودن این اندیشه‌ها به طور مستقیم و همچنین پایبندی قوی به یک سری اصول مشخص و همچنین پیشینه آن تاکید کردند، اما در گروه کالیفرنیا، این گونه نیست.

۲- چه بخشی از دین زرتشتی برای شما جذاب است؟ (مثلا سنت‌ها، فلسفه و...)

- گروه کانونی کالیفرنیا

نام پاسخ‌دهنده	پاسخ
Shahyan	آزادی که ما داریم بر خلاف یک سری دین‌های دیگر که در آمریکا است. یعنی هر کس می‌تواند طبق فکر خودش کاری را که درست است انجام دهد.
Shawyon	این که یک سری قوانین نوشته شده نیست بلکه یک اندیشه است که می‌توان همواره آن را در ذهن داشت و به کار برد و مراسم‌هایی مانند گهنبار که باعث جمع شدن ما در معبد و دین دوستان زرتشتی‌ام می‌شود.
Paria	از زمان کودکی، جامعه‌ای که در زمان‌های مختلف(از جمله تعطیلات، جشن‌ها و کلاس دینی) دور هم جمع می‌شدیم، بسیار جذاب بود و پیشینه‌ای که داشتیم و سختی‌هایی که تحمل شده تا بتوانیم این دین را حفظ کنیم. چون دین زرتشتی فقط فلسفه نیست بلکه یک فرهنگ است. بیشتر از همه آموزه‌های دین برای من جذاب است چون در منطقه‌ای زندگی می‌کنم که بسیار گسترده است از لحاظ تنوع آدم‌ها، این آموزه‌ها نشان داد که می‌توانم فارغ از محیط پیرامونم آدم خوبی باشم.
Shirin	جشن‌های دین زرتشتی که باعث دین دوستان زرتشتی‌ام می‌شود به خصوص از زمانی که به آمریکا مهاجرت کردم. به جز این کارکرد جشن(که همان دور هم جمع شدن است و تقویت جامعه است)، معنی پشت جشن‌ها از جمله گهنبار که داد و دهش است، بسیار جذاب است.
Bijan	فلسفه نور و آتش است و احترام به روشنائی و آتش استعاره‌ای(نمادی) از مبارزه با شر همان تاریکی است.
Delaram	بعد از این همه سالی که از آموزش‌ها گذشته است، هنوز می‌توان از این آموزه‌ها استفاده کرد و قابل تکیه کردن است، بر خلاف برخی از دیگر ادیان که با گذشت زمان ممکن است آموزه‌های آنها، کاربردی نداشته باشد و اینکه دین زرتشتی، دین شادی است و همواره به ما نشان می‌دهد که همواره باید در حال پیشرفت باشیم.

- گروه کانونی تهران

نام پاسخ‌دهنده	پاسخ
سیاوش	نگاهی که به دنیا دارد(مدل ارائه دادن جایگاه انسان و بقیه موجودات جهان)
پریسا	مفاهیم گاتها
آناهیتا	دری حرف زدن، جشن سده، گاتها خواندن و نگاهش به گیتی و مینو
خشایار	قدرت اختیاری که داریم .
ارشیا	داستان امشاسپندان(مثل داستان ابرقهرمان‌های کودکی است)، داستان اساطیری کتاب اوستا، اینکه هر روز ما یک نام دارد.

تحلیل :

مانند سوال قبل تلاش می‌شود تا ابعاد اشاره شده از جذابیت دین زرتشتی در ذهن هر کدام از افراد تفکیک شود.

- گروه کانونی کالیفرنیا

نام پاسخ‌دهنده	اختیار و آزادی عمل	کاربردی بودن	پیشینه دین	آیین‌ها و سنت‌ها و فلسفه آن‌ها - برنامه‌های اجتماعی	جهان‌بینی	نمادها	کتاب‌های دینی(گاتها و اوستا)
Shahyan							
Shawyon							
Paria							
Shirin							
Bijan							
Delaram							

نام پاسخ‌دهنده	انتخاب و آزادی عمل	کاربرد بودن	پیشینه دین	آیین‌ها و سنت‌ها و فلسفه آن‌ها - برنامه‌های اجتماعی	جهان بینی	نمادها	کتاب‌های دینی(گاتها و اوستا)
سیاوش							
پریسا							
آناهیتا							
خشایار							
ارشیا							

تحلیل:

مانند دو سوال قبل تلاش می‌شود تا وقایع تاریخی رخ داده به چهار دسته کلی تفکیک شود.

-گروه کانونی کالیفرنیا

نام پاسخ‌دهنده	رعایت حقوق بشر	ماهیت خود دین(تک‌خدایی بودن و منطقی بودن)	پایداری دین علی‌رغم دشواری‌ها	ابعاد تاریخی
Shahyan				
Shawyon				
Paria				
Shirin				
Bijan				
Delaram				

شباهت(ها): بین این دو گروه شباهت زیادی مشاهده نمی‌شود.

تفاوت(ها): گروه کالیفرنیا بسیار روی آیین‌ها و جشن‌ها متمرکز است که می‌تواند به این دلیل باشد که تنها برنامه‌هایی هستند که باعث گردهمایی زرتشتیان در آن جا می‌شود اما در ایران برنامه‌های دیگری مانند جام جان باختگان، همایش مانتره، شوراهای کانون وجود دارد که این نیاز را ارضا می‌کنند.

همچنین درباره کاربرد بودن و آزادی عمل نیز در گروه کالیفرنیا بسیار تاکید می‌شود اما در بین گروه تهران این گونه نیست و ممکن است به تفاوت شیوه آموزش باز گردد.

در گروه تهران بیشتر به مباحث مربوط به کتاب اوستا و گاتها و همچنین بعد جهان بینی آن تاکید شده است.

گروه کانونی تهران

نام پاسخ‌دهنده	رعایت حقوق بشر	ماهیت خود دین(تک‌خدایی بودن و منطقی بودن)	پایداری دین علی‌رغم دشواری‌ها	ابعاد تاریخی
سیاوش				
پریسا				
آناهیتا				
خشایار				
ارشیا				

۳- به چه چیز در گذشته زرتشتیان افتخار می‌کنید؟

-گروه کانونی کالیفرنیا

نام پاسخ‌دهنده	پاسخ
Shahyan	هیچ وقت در طول تاریخ دین خود را به کسی تحمیل نکرده‌ایم(حتی وقتی در قدرت بوده‌ایم) و همواره یک نوع حقوق بشر را داشته‌ایم.
Shawyon	اینکه اولین دین تک‌خدایی بوده است و اگر به آیین‌های تک‌خدایی دیگر نیز نگاه کنیم میبینیم که بخشی از آموزه‌های خود را از دین زرتشتی الهام گرفته‌اند.
Paria	اینکه حقوق بشر به خصوص در دوران پیش از اسلام که دین زرتشتی رایج‌تر بوده است وجود داشته است مانند منشور کورش. که به برابری انسان‌ها احترام گذاشته است. بر خلاف آمریکا و خیلی کشورهای دیگر و همچنین پایداری دین در طول تاریخ علی‌رغم دشواری‌ها.
Shirin	اینکه اسوزرشت هر چیزی که گفته است و هر چیزی که نوشته شده است، از روی منطق است نه خرافات، دین‌های دیگر ممکن است بعضی معجزات و اتفاقات از روی خرافات است و بدون منطق است.
Bijan	تاریخ دین و پیشینه دین، وقایع مربوط به ایران باستان، هنگامی که در کلاس تاریخ درباره سختی‌های یهودیان پیش از ورود ایرانیان و احترام به حقوق آنها و آزادی آنها در زمان حکومت ایرانیان و همچنین تاب‌آوری دین در مقابل سختی‌ها در طول تاریخ
Delaram	حفظ دین در طول تاریخ علی‌رغم وجود موانع و دشواری‌ها در طول تاریخ

شباهت(ها): هر دو گروه هنگامی که به گذشته پر پیچ و خم دین خود نگاه می‌کنند و پایدار ماندن دین در طول این گذشته، به خود افتخار می‌کنند.

تفاوت(ها): گروه کالیفرنیا به بعد رعایت حقوق همه انسان‌ها و همچنین ماهیت خود دین (مانند تک‌خدایی بودن یا منطقی بودن) اشاره می‌کنند در صورتی که در گروه تهران، این تاکیدات بسیار کمتر است.

- گروه کانونی تهران

نام پاسخ‌دهنده	پاسخ
سیاوش	ایجاد نظم جهانی در دوران هخامنشیان به گونه‌ای که پیش از آن سابقه نداشت.
پریسا	حفظ دین در طول تاریخ علی‌رغم وجود موانع و دشواری‌ها در طول تاریخ
آناهیتا	حفظ دین در طول تاریخ علی‌رغم وجود موانع و دشواری‌ها در طول تاریخ
خشایار	حفظ دین در طول تاریخ علی‌رغم وجود موانع و دشواری‌ها در طول تاریخ
ارشیا	مفهوم رواداری و احترام و تعامل با افراد دارای عقاید متفاوت

ادامه دارد ...



امروز تلویزیون ترانه ی کردی پخش میکرد به یاد بهزادان (ابومسلم) و دلاوریهای بیماندش افتادم. یادش گرامی.

جنبش سیاه جامگان را که آغازی بر رستاخیز ایران است، از ابومسلم داریم. انگیزش سیاه جامگان بی گمان از نفرت و خشم ایرانیان به تازیان مایه میگرفت. اگر از دیگر پدیده ها چشم بپوشیم، بیزاری از ستمگران تازی را میتوان برهانی نیرومند در این جنبش بشمار آورد. کینه ی ایرانیان، آنان را به ستیز با دستگاه خلافت برانگیخت و سرانجام تازیان بدست سیاه جامگان از پایگاه فرماندهی به زیر کشانده شدند.

ابومسلم بهدین بود. تبار او را ایرانی و کرد نوشته اند. نامش بهزادان پور ونداد هرمز از نوادگان شیدوش گودرز گشوادگان است. کودکی او را به گمانها و افسانه ها آمیخته اند. در رفتار و گفتار او ایراندوستی موج میزند. خونخواهی "پسر سندباد" نشان داد که با آیین بهدینی و شیوه ی نیاکان پیوندی ژرف دارد. ابومسلم به سرزمین خویش تا مرز جانفشانی مهر می ورزید. دیار نیاکان را میدید که به ویرانی و پریشانی میگراید. چیرگی تازیان بر پارسیان را میدید و تیرگی روز ساسانیان، دگرگونی رازگردان سپهر و بریدن مهر از آزادگان. دریغ از آن اورنگ شهریار و دریغ از آنهمه فرو و بزرگی که همگی بدست بیابان گردان بتاراج رفت. اینک، روزگار آشتفگی و پریشانی فرا میرسد که فرومایگان بر جای بزرگان می نشینند.

با شکست از تازیان، زمانه از این پس جز به زیان ما نخواهد گردید. دریغ که با این شکست، ایرانیان خوی مردی و مردانگی را از دست میدهند و کشاورز دیگر به نژاد خویش نمی اندیشد و سپاهی هنر و سپاهیگری را از یاد می برد. بد اندیشی و بدگمانی جای پندار ستوده را میگیرد و نفرین به جای آفرین می نشیند و در چنین هنگامه ای ابومسلم اندیشه ی خویش آشکار میکند. مردم آگاهند که این بهزادان است که با نام "ابومسلم" و پوشش تازی رزم می جوید و رهایی خراسان و براندازی خلافت را میخواهد، پس با او به جان و دل کوشیدند و از شهرهای دیگر نیز پیمان ستدند.

مردم که اندیشه ی برپایی شاهنشاهی بسر داشتند در شهر و روستا بهدینان را به نیرد با تازیان می خواندند. در اندک زمان از هرات، پوشنگ، سیستان، بخارا، سمرقند، مرو رود و تالگان آنانکه از بیداد تازیان به ستوه آمده بودند بهزادان را بجان پذیرا شدند و به یکدیگر مژده ی برپایی شاهنشاهی ساسانی را میدادند. در زمانی کوتاه زجر دیدگان و فریب خوردگان زیر پرچم او گرد آمدند و این زمانی روی داد که تازیان سرگرم چپاول یکدیگر بودند.

بهزادان میکوشید تا مگر آب رفته را بجوی باز آرد. تازیان در پی کشتن او

بودند. منصور خلیفه تازی که با بهزادان دشمنی دیرینه داشت او را به دیار فراخواند. ابومسلم به گمان اینکه او را به رایزنی خواسته اند، بدربار شتافت. منصور خلیفه او را به گرمی پذیرفت و با او به گفتگو نشست. در میان گفتگو منصور پرسید شمشیرت پولاد آبداده است؟ بهزادان شمشید از کمر گشود و بدست خلیفه داد. دیگر از چالاکی ابومسلم در شمشیر زنی بیمی نبود چون شمشید از او جدا کرده بودند. چند شمشیرزن از پرده برون آمدند و جامه ی ابومسلم به خون رنگین داشتند. برای بهدینان از دست رفتن این سردار کمتر از سوگ رستم فرخزاد نیود.

ابومسلم اندیشه ی شاهنشاهی ایران را بسر داشت. او خلافت بنی امیه را برانداخت تا زمزمه ی برتری نژاد تازیان خاموش شود. ابومسلم آرزو داشت که شکست ایرانیان در نهاوند جبران شود. اینست که در "زاب" سپاهیان تازی را درهم شکست. نزدیک تیسفون شهری همانند بغداد بر پا کرد که یادآور دوران شادی انگیز ساسانی بود.

ابومسلم آرزو داشت آیین کهن ایران را دوباره با شکوه هرچه تمامتر برپادارد، از اینرو بود که پس از کشته شدنش یاران او را به یادهای او رنگ دینی دادند. یادش گرامی باد.

همزمان این جامعه از طبقات و لایه های پائین تر و تنگدست تر خود نیز غافل نشد و برای نمونه کارل مارکس که خود نیز دارای تباری یهودی بود در نوشتاری در یک مجله چاپ نیویورک در سال ۱۸۵۴ وضعیت یهودیان شهر اورشلیم را بسیار رقت بار و سرشار از فقر و ستم توصیف می کند که به کمک های مالی یهودیان اروپا وابسته بودند.

جنگ جهانی دوم و کشتار جنایتکارانه یهودیان بدست نازی ها نقطه عطف بزرگی در وضعیت یهودیان اروپا بود و هرچند کشتارهای یهودیان چیز تازه ای در اروپا نبود و پیش از آن هم روی داده بود ولی این کشتار از آن روی که بگونه سازمان یافته و در راستای نابودی همه افراد یک قوم شامل حتی پیران و زنان و کودکان بود، بسیار فجیع و نفرت انگیز بود و در تاریخ بشر نظیر و همانندی نداشت. اما اینجا هم یهودیان بجای مرثیه خوانی و گریه و زاری کردن برخوردی واقع بینانه در پیش گرفتند و در اندیشه پدید آوردن کشوری برای خود شدند تا بتوانند همکیشان زیر فشار و آزار خود را از سراسر جهان در آنجا گردآورند و از فشار و آزار بر آنها بکاهند و این کار را هم کردند و پس از سده ها توانستند به سرزمین نیاکان خود بازگردند و اینجا بود که لایه های فقیرتر جامعه یهودی که بیشترین جمعیت و مردمان لازم برای کوچ به سرزمین نیاکانی آنها و پدید آوردن کشور یهودی را فراهم می کردند، نقش آفرین شدند.

و باز به این هم بسنده نمودند و در راستای فراهم کردن شمار جمعیت مورد نیاز خود هر کس که می توانست نشان دهد دارای تباری یهودی است به دین و کشورشان می پذیرفتند و تا جایی پیش رفتند که پذیرش به دین خود را از سوی نوکیشان قانونی نمودند زیرا بخوبی حس کردند هنگامی که کشورشان با همسایگانی متخاصم محاصره شده ناچارند برای بر جای ماندن شمارشان را افزایش دهند و اصولاً نقطه قوت و توانایی یک کشور، قوم و دین و پیروانش همواره شمار مردمان آن است و بس! زیرا هر هموند تازه ای دو دست و بازو برای کار کردن به همراه خود می آورد و از آن مهم تر یک مغز برای اندیشیدن و راهکار یافتن به جمع می افزاید. حتی فرمانروایانی هم که در هنگامهای دیرین دست به کشورگشائی می زدند این کار را نه برای گسترش سرزمین بلکه برای افزایش شمار مردمان تحت فرمانشان می کردند زیرا مردمان و شهروندان بیشتر به معنی نیروی کاری بیشتر و اقتصاد بزرگتر بود که مالیاتهای آنها میتوانست ارتش بزرگتری فراهم کند و همچنین همین شمار بیشتر مردمان میتوانست سربازان بیشتری برای همان ارتش فراهم نماید تا از کشور در برابر یورش بیگانگان دفاع کنند و گر نه بدست آوردن سرزمین بزرگتر بدون مردم سودی نداشت.

اما اکنون بینیم در مقایسه و سنجش با یهودیان، بهدینان چه می توانند بیاموزند؟ در نگاه نخست دیده می شود که تقریباً همه ابزارهای توانمندی و بزرگی در جهان نزد زرتشتیان هست و شاید سخن گفتن از برتری و بزرگی در جهان بزرگمایانه به نظر آید ولی فراموش نکنیم که ایرانیان و زرتشتیان پیش از آمدن تازیان به مدت بیش از یک هزاره و در سه سلسله پادشاهی پیاپی این جایگاه را داشته اند و به گواه همگان و تاریخ، برخلاف ملل و اقوام دیگر که از چیرگی خود در راستای

چندی است که بسیاری از ما نوشته ها و گفتارهای بسیاری را می بینیم، می خوانیم و می شنویم در باره اینکه جایگاه کنونی هازمان آئین مزدیسنا در جهان امروز چیست؟ بسیاری در پی کنکاش در این باره هستند که هازمان چگونه به اینجا رسیده است و چه چیزهایی آن را بدینجا رسانده است.

اما یک جستار که شاید بسیار کمتر بدان پرداخته شده است و شاید می بایستی بیشتر بدان پرداخته شود این است که این هازمان امروزه چگونه می تواند باشد و چه جایگاهی را میتواند بدست آورد؟

برای اینکه پاسخ این پرسش را بدهیم خوب است مقایسه و سنجشی با یک گروه دینی دیگر با شرایط و امکانات مشابه و همانند داشته باشیم. یکی از دینهای جهان امروز که همانند آئین مزدیسنا دارای شماری نسبتاً کم بوده و کارنامه بسیار موفق داشته است دین یهود است و شاید با یک مقایسه کوچک بتوان چیزهای جالب و گیرایی آموخت. یهودیان هر چند از گروه ادیان ابراهیمی هستند ولی دارای پیشینه دوستی و پیوند خوب با ایرانیان هستند، از نجات یافتن یهودیان از چنگ بابلیان در هنگام فرمانروایی کورش بزرگ تا همکاری و همزمزی یهودیان با ایرانیان در هنگام ساسانیان و پادشاهی خسرو پرویز در جنگ با رومیان بگونه ای که لشکر یهودی ارتش شاهنشاهی ساسانی با در هم شکستن نیروهای رومی در اورشلیم توانست دژ آنجا را بگشاید. ناگفته نماند که یهودیان دو شباهت دیگر هم با زرتشتیان دارند و آن سختگیری بسیار در نوکیش پذیری آنهاست که بیگمان در آغاز این دو دین چنین نبوده اند ولی با گذشت زمان بر اثر آزار و ستمی که بر آنان وارد شده این رویه را در پیش گرفته اند، و دیگر اینکه یهودیان نیز همانند زرتشتیان هرگز حتی هنگامی که فرمانروائی و حاکمیتی را در دست داشتند دیگران را بزور وادار به پذیرفتن کیش و آئین خود نمی نمودند.

بگونه کوتاه می توان گفت یهودیان تا همین چند سده پیش در سراسر جهان پراکنده بودند و بسیاری از آنان در فقر و تنگدستی به سر می بردند. آغاز دگرگون شدن وضعیت آنها از هنگامی بود که در این اندیشه شدند تا همبستگی و پیوندهای میان خود را افزایش دهند. نخست طبقات و لایه های بالایی اجتماع آنها در اروپا که افراد توانگر و دارای نفوذ همچون تجار و بازرگانان را شامل می شدند گرد هم آمدند و شبکه ای نسبتاً موفق برای همکاری در کسب و کار پدید آوردند. در گام پس از آن نیز این همبستگی و پیوند به طبقات و لایه های میانی تر جامعه آنان گسترش یافت و آنان را نیز در بر گرفت که شامل روشنفکران، دانش آموختگان و هنرمندان جامعه آنها می شد که همگی می دانیم چنین کسانی در میان یهودیان کم نیستند و از اینجا بود که جامعه یهود گسترش چشمگیر و ستایش برانگیز خود را آغاز نمود. این لایه میانی دانش آموختگان و روشنفکران کسانی بودند که از آغاز سده بیستم دستاوردهای علمی بسیاری در فیزیک، شیمی، پزشکی، فلسفه، ... و دانش های گوناگون داشته بگونه ای که یهودیان نسبت به شمار جمعیت خود در میان اقوام و ملل دارای بالاترین درصد برندگان جوایز نوبل هستند و جامعه بشری بسیاری از پیشرفتهای علمی خود را مدیون آنهاست.

غارث و تجاوزگری و برتری جویی بهره گرفته اند، زرتشتیان و ایرانیان از چیرگی خود در راستای گسترش برابری و برادری و بالندگی مردمان جهان بهره گرفته اند و اگر بار دیگر هم به این توانایی و جایگاه دست یابند بر پایه آموزه های فرهنگی و دینی خود جز برای نیکی و راستی و بهروزی جهانیان گام بر نخواهند داشت و البته امروزه نیز همانند سده ها و هزاره های پیشین برای سروری بر جهان نیازی به جنگ و کشورگشایی نیست و نمونه بسیار خوب آن همین یهودیان هستند که بدون شلیک یک گلوله برتری خود را نه با جنگ بلکه با سازماندهی خوب خود و سودی که برای جهانیان دارند به آنان پذیرانده اند. در ایالات متحده برای نمونه می بینیم که شمار سیاستمداران یهودی همچون برنی ساندرز شاید اندک و تک و توک باشند ولی مجموعه آنها چنان انسجام و هماهنگی خوبی دارد که حتی کسی همچون دونالد ترامپ که آشخور بخشی از هوادارانش جریانه های راستگرایانه افراطی با گرایش های ضدیهود است، ناچار است دیدگاه یهودیان را در نظر بگیرد و از ناخرسند نمودن آنها پرهیز نماید.

حال به بررسی ساختار هازمان جهانی پیروان مزدبستان در مقایسه و سنجش با قوم پیشگفته بپردازیم. در لایه های بالایی که بیشتر نیز از برادران پارسی هستند، هازمان مزدبستان دارای شمار بسیاری از توانگران هستند که ابزار اصلی آنها بیش از دارایی آنها، نفوذ و قدرت آنها در عرصه جهانی و بین المللی می باشند که می توانند با تجربه و آگاهی خود به شکل گیری یک سازماندهی کارآمد در هازمان بهره رسانند و همانگونه که گفته شد از نفوذ و ارتباطات خود در عرصه جهانی و بین المللی در تحکیم و توانمندی جایگاه هازمان جهانی زرتشتیان بهره گیرند. بنگاه های صنعتی و بازرگانی تحت مالکیت آنان هرچند بسیار چراغ خاموش و آرام به پیش می روند ولی دارنده دارایی ها و ترازنامه های مالی بسیار بزرگ و هنگفتی هستند که آنها را در ردیف بزرگترین شرکتها و بنگاه های اقتصادی جهان قرار می دهد و همین توانایی بالای اقتصادی است که به نفوذ بالایی جهانی و بین المللی آنها انجامیده است.

شاید نام مجموعه صنعتی تاتاها و بویژه سرور رادان تاتا در این عرصه بیشتر شناخته شده باشد ولی خاندانهای پارسی دیگر همچون وادیاها، میستری ها و شاپورجی پالونجی هم ستونهای پرتوانی در هازمان پارسیان هستند و البته بیگمان در میان این لایه بالاتر بیگمان زرتشتیان ایرانی هم هستند ولو در شمار کمتر و به همین روی شاید برای همازوری بیشتر این گروه دوم بهتر باشد گاهی با برخی گرایشات گروه نخست که از دیدگاه آنان بسختی پذیرفتنی باشد کنار بیایند.

بسیاری از ما داستان مانکجی لیمجی هوشنگ هاتریا، یاری دهنده بزرگ زرتشتیان در هنگام قاجاریه را می شناسیم ولی در این داستان آنچه همواره نادیده گرفته شده است این است که مانکجی از سوی انجمن بزرگان پارسی پس از رسیدن خبر بیدادگری هایی که بر زرتشتیان ایران می رفته به پارسیان هند، مامور کمک و رسیدگی به بهدینان ایرانی شد و پشتیبان های او در این راه همین خاندانهای بزرگ پارسی همچون میستری ها بودند که بی کمک آنها مانکجی نمی توانست کاری از پیش ببرد هر چند کوشش های خود او بسیار ستایش برانگیز است. در روزگار کنونی هم واکنش پرشتاب پارسیان در کمک به زرتشتیان یزدرا در همه گیری کورونا دیدیم.

اما چه چیزی میتواند به پارسیان انگیزه دهد تا همازوری و همکاری تنگاتنگ تری با بهدینان ایران داشته باشند؟ شاید بهتر باشد گفته شود که بیش از انگیزه در اینجا ناچاری در میان است. پوشیده نیست که شمار پارسیان و همچنین با شتاب کمتری بهدینان ایرانی هم رو به کاهش است. بسیاری از پارسیان مانده

در هند سالمندان هستند و بسیاری از جوانان آنها به غرب کوچ کرده اند و این جوانان پارسی نیز برخلاف جوانان بهدین ایرانی در گروه های پراکنده تری در غرب زندگانی می کنند که امکان جذب و حل شدن آنها در جوامع میزبان غربی را افزایش می دهد و از آن بدتر کم رغبتی این جوانان به پیوند بیشتر با بهدینان ایرانی است که در همان شهرهای آنها ساکن و باشند اند که این پیوندها میتواند به برجای ماندن و دوام آنها کمک نماید. کاهش شمار پارسیان در هند به اندازه ای رسیده که بسیاری از بنگاه های صنعتی و بازرگانی پارسیان برخلاف سنت خود در حال استخدام مدیران غیرپارسی هستند. پارسیان آشکارا در حال از دست دادن اختیاراتشان بر دارائی هایشان هستند و به عنوان یک مثال کوچک میتوان به محلات پارسی نشین در شهرهای بمبئی، سجنان، پونا و اودودا (جایگاه آتش سپند ایران شاه) اشاره نمود که در آنها خانه های باشکوه پارسیان را میتوان یافت که اکنون تهی از دارندگان و ساکنان پیشین خود هستند زیرا مالکان سالمند آنها در گذشته اند و فرزندان آنها یا به غرب کوچ کرده اند و یا اینکه دارندگان این خانه ها اصلا فرزندی نداشته اند. پیداست در کشور پرجمعیتی همچون هند که در دهه پیش رو با پیشی گرفتن از چین پرشمارترین کشور جهان خواهد شد این خانه ها برای مدت زیادی خالی نخواهد ماند و چه بسا بسیاری از آنها هم تا کنون بدست مالکان تازه اشغال شده اند... پدیده ای که همانندش را در ایران و در محله ها و روستاهای زرتشتی نشین دیده ایم و با این پدیده آشنا هستیم.

از دیگر سوی هم این بنگاه های صنعتی و بازرگانی آن انحصار پیشین در بازار کسب و کار هند را ندارند و روزبروز هندیان دیگر و شرکتها و بنگاه های بازرگانی و صنعتی آنان در حال رشد بیشتر هستند و کمبود بسیار شدید شمار پارسیان آنان را در نگهداری جایگاه خود در اقتصاد هند و نیز بازار جهانی دچار تنگنای سختی نموده است. باز هم به سبب همین شمار کم پارسیان ناچار می شوند هزینه های بسیار سنگینی بدهند از جمله اینکه برای حفظ موقعیت خود در افکار عمومی هند بخش بزرگی از سود بنگاه های تحت مالکیت خود را صرف هزینه های نیکوکارانه می کنند که البته بد نیست ولی گاهی این هزینه ها بوی باج دادن به خود می گیرند همانند کمک های مالی سنگین بنگاه های اقتصادی پارسیان به احزاب تندرو و راست گرای افراطی هندو و کمپین های انتخاباتی آنها. همگرایی بیشتر زرتشتیان در لایه های میانی و بالا بسیاری از گرفتاری های هر دو گروه زرتشتیان ایرانی و هندی را برطرف نموده و یا بسیار کاهش می دهد. آیا پارسیان با آن همه هوش و بینش و زرتشتیان ایرانی با آن همه خرد و فرهنگ برآستی نمی دانند که با همازوری بیشتر تا چه اندازه میتوانند کاستی های همدیگر را همپوشانی کنند؟ بیگمان می دانند ولی پس چرا تا به امروز گامی در این راه بر نداشته اند؟ ساده ترین پاسخی که به اندیشه نگارنده می رسد این است که شاید تا کنون در این باره با هم سخن نگفته اند که نشان از کمبود پیوندهای سودمند میان آنهاست و شاید هم حتی در باره سودمندی این همکاری ها ژرفتر نیندیشیده اند؟ پاسخ هر چه که باشد این نبود همکاری و هم اندیشی و پیوند به سود هیچکس نیست.

پتانسیل بسیار بزرگ دیگری که در اختیار هازمان جهانی بهدینان است همانا شمار بسیار بالای دوستداران بهدینان و کیش آنهاست که بسیاری از آنها نوکیشان و بیشترشان هم ایرانی هستند. البته سخن گفتن از همازوری بهدین زادگان با نوکیشان در حالیکه هنوز زرتشتیان ایرانی و پارسی مسائل میان خود را حل نکرده اند و به یک همگرایی و سازماندهی خردمندانه بر پایه این همگرایی و همازوری نرسیده اند و تکلیفشان را با خودشان روشن ننموده اند شاید بسیار

زود است. و آنکه برخی به موضوع اختلافات درونی میان خود بهدینان ایرانی و میان خود پارسیان اشاره دارند و می گویند هنگامی که اینان با خود کنار نمی آیند چگونه میتوان حتی به پذیرفته شدن دیگران اندیشید؟ نگارنده باور دارد که شاید بسیاری از این تنش های درونی هازمانها به سبب انزوا و گوشه گیری بیش از اندازه این گروه ها و نپرداختن به امور مهم تر در پیرامون هازمان است که آنها را به اختلافات کوچک درونی حساس و گرفتار می کند و شاید اگر توجه هازمانهای بهدینان به اهداف و آرمانهای بزرگتری دگرگون شود بسیاری از این تنش های درون هازمانی از میان می رود و یا رنگ می بازد. در مورد شمار این دوستداران آئین بهی و یا آرومندان نوکیش شدن آمار دقیقی نیست ولی یک چیز در باره آنها روشن است و آن اینکه شمار آنها حتی در درون ایران بیشتر از مجموع شمار بهدینان ایرانی و پارسیان است. برخی به ابراز دلبستگی هایی اشاره می کنند که در سالیان اخیر از سوی هم میهنان بهدینان ایرانی به دین بهی می شود ولی نگارنده و بسیاری دیگر باور دارند که این حجم از دلبستگی همواره در میان بوده است و تنها چیزی که عوض شده این است که ابزارهایی همچون اینترنت به این شیفتگان فرهنگ نیاکانی این امکان را داده که همدیگر را بیابند و از انزوا و گمنامی برون آیند و شمارشان آشکار گردد. یهودیان در بازگشت به سرزمین نیاکانی خود ناچار به جنگیدن با کسانی بودند که از دین و نژادی دیگر بودند ولی ساکنان و باشندگان کنونی سرزمین نیاکانی زرتشتیان هم نژادان آنها و کسانی هستند که نیاکانشان با نیاکان بهدینان یک دین داشته اند.

اما این مردمان چه کمک و یاری میتوانند به هازمان جهانی بهدینان برسانند؟ پاسخ باز هم در اضطراب و ناچاری است. در گفتار پیرامون یهودیان از شمار بالای دانش آموختگان در میان آنها سخن گفتیم و همین رویه دانش دوستی و جویندگی دانش در میان پارسیان و بهدینان هم هست بگونه ای که برای پرورش بهتر فرزندان و رسیدگی به تحصیل و دانش آموختگی آنان شمار فرزندان کمتری بدینا می آورند ولی این سکه رویه دیگری هم دارد که همان کاهش شمار بهدینان است.

در واقع اگر درست بنگریم هیچ دینی بدون پذیرفتن نوکیش بر جای نمی ماند زیرا در همه دینها کسانی هستند که از دین بیرون می روند و اگر یک جریان جایگزینی از بیرون نباشد شمار پیروان این دینها کاهش می یابد و پایایی این دینها از میان می رود و بدون هیچ تعارفی باید بپذیریم که توانمندی و برجای مانگی یک دین ارتباط مستقیم و قاطعی با شمار پیروان آن دارد. از میان نزدیک به چهل دین اصلی شناخته شده در جهان، آنهایی قدرت و شمار بیشتری دارند که شرایط ساده تری برای پذیرفتن دیگران در میان خود دارند بگونه ای که دو دین بزرگ اصلی دنیا یعنی اسلام و مسیحیت که شمار بالای میلیاردها دارند دین هایی هستند که نه تنها ورود به آنها ساده و بدون هیچگونه پیش شرطی است، بلکه برای سده ها فرمانروایان باورمند به این دینها مردم را در سرزمینهای زیر فرمانشان بزور هم که شده وارد این دینها می نمودند. در سوی دیگر طیف هم دینهای کم شمار همچون یهودیت و آئین مزدیسنا هستند که ویژگی مشترک همه آنها سختی ورود به آنهاست که از قضا این ویژگی را با دینهایی که از میان رفته اند نیز مشترک هستند. نیازی هم نیست در اینجا دوباره گفته شود که در اوستا و گاتها درآوردن دیگران به دین بهی را بهترین کار بشمار آورده اند و نپذیرفتن دیگران یک نوآوری نادرست است که زبانهای آن دستکم اکنون دیگر بسیار بیشتر از سودهای آن است.

گسترش شبکه نفوذ معنوی زرتشتیان در میان ایرانیان بویژه ایرانیان بیرون از ایران که تتگناهای درون ایران را ندارند و شمارشان بر پایه برخی آمارها تا بیش از هشت میلیون نفر هم هستند و نیز افزایش نفوذ شبکه ای در میان ایرانی تباران و باشندگان سرزمینهایی که زمانی بخشی از فرمانروایی های ایرانی و زرتشتی

هخامنشی، اشکانی و ساسانی بودند به افزایش توانمندی هازمان جهانی زرتشتیان یاری بسیاری می رساند. و باز هم نیازی نیست که گفته شود که هیچ قومی به اندازه ایرانیان با بهدینان ایرانی و پارسیان ایرانی تبار نزدیکی و همگونی فرهنگی ندارد و در حقیقت میان فرهنگ ایرانی و فرهنگ زرتشتی هرگز نمی توان یک خط آشکار و شفافی ترسیم نمود که این دو را از هم جدا نماید.

شوربختانه ولی هازمان جهانی زرتشتیان و بویژه پارسیان در انجام دگرگونی های لازم برای بهره گیری از پتانسیل هایی که در پیرامون آنهاست بسیار کند عمل می کند. برای نمونه تا همین چند دهه پیش از ورود فرزندان حاصل از ازدواج پارسیان با غیر پارسیان به نیایشگاه های پارسی جلوگیری می شد ولی در آن هنگام با دگرگونی هایی فرزندان حاصل از زناشوئی مردان پارسی و زنان غیرپارسی به درون هازمان پارسیان پذیرفته شدند ولی فرزندان زنان پارسی که با مردان غیر پارسی پیوند زناشویی بسته اند هنوز به درون هازمان راهی ندارند. سرور "خجسته میستری" از سرشناسترین بزرگان پارسی که به داشتن باورهای بسیار محافظه کارانه شناخته می شود، از این گزینش پدرسالارانه با عنوان اینکه فرهنگ ایرانی همواره یک فرهنگ مردسالار بوده است، دفاع می کند. ولی همین سرور خجسته میستری (که از نام خانوادگیش پیداست که گویا باید از خاندان میستری ها باشد) به تازگی از اینکه برخی از مردمان ایرانی تبار خاورمیانه همچون ایرانیان و نیز سرزمینهای پیرامون ایران مانند کردستان، آذربایجان و تاجیکستان گرایش های قوی به کیش نیاکانی خودشان که همان آئین مزدیسناست نشان داده اند ابراز خرسندی نموده است. آیا اینها نشانگانی از دگرگونی بیشتر است؟ برآستی با جو سنگین محافظه کارانه ای که بر هازمان پارسیان حاکم است بسختی میتوان پاسخ این پرسش را دریافت. البته این جو محافظه کارانه در میان بهدینان ایرانی درون ایران هم با همه آزاداندیشی بیشتری که دارند، هم هست (ولو کمتر) که البته ریشه آن را در تتگناهای کنونی درون سرزمین ایران می بایستی جستجو نمود.

از آنچه تا کنون گفته شد بدین فرجام میتوان رسید که هازمان جهانی مزدیسنان همه ابزارهای مورد نیاز برای سروری و برتری در جهان را دارد، ابزارهایی که یهودیان برای پدید آوردن آنها سده ها تلاش نمودند ولی شوربختانه اراده و خواست بکارگیری این ابزارها که همانا همآزوری است در هازمان جهانی زرتشتیان کم رنگ است.

باز هم در پاسخ به کسانی که شاید بگویند آرمان دستیابی به سروری در جهان برای هازمان زرتشتی بسیار بلند پروازانه است می بایستی گفت حتی اگر این آرمان در این اندازه برآورده نشود، باز هم کوشش در این راستا هازمان بهدینان را بسیار توانمند می سازد و بر نیرومندی آن می افزاید زیرا کسی که برای نمره بیست درس بخواند همواره دستکم نمره نوزده، هجده یا هفده را بدست می آورد ولی کسی که تنها برای نمره قبولی ده درس بخواند در بیشتر هنگامها تجدید می شود و هر چندگاه یکبار هم رفوزه می گردد.

بزرگترین آفت وارد شده به آئین مزدیسنا هم این است که پیروانش به نمره ده قانع شده اند و آن را پذیرفته اند آن هم در حالیکه همه ابزارها و نیز شایستگی های مورد نیاز برای بدست آوردن نمره بیست را دارا می باشند..... اما خبر خوب این است که گروه هایی همچون یهودیان با ابزارهای بسیار کمتری توانستند چنین توانایی های شگرفی بدست آورند پس بهدینان که همان ابزارها را در دست دارند بسیار ساده تر میتوانند به این آرمان برسند و در این راه تنها به کوشش و شکیبایی نیاز دارند که البته همآزوری بیشتر میان گروه های گوناگون هازمانی بیگمان این راه را بسیار کوتاهتر خواهد نمود.

اولین نماینده ایرانی زرتشتی در

مجلس نمایندگان کنگره آمریکا

راهی به سوی آینده

نوشته دکتر خسرو اسفندیار مهرفر

برگردان به فارسی گلستا شاپورغیبی

با درود بر همگی و آرزوی کامیابی برای شما در هر شهر و کشوری که هستید. در پنج مقاله‌ی گذشته‌ی نشریه‌ی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا (چهره نما)، برنامه، اهداف، دلایل، راهبرد، نتایج و سایر ابعاد این پروژه مطرح گردید. برنامه‌ی مد نظر به طور جامع شرح و ارایه داده شد تا اطمینان حاصل گردد همه‌ی جوانب آن شفاف، روشن، قابل فهم، صادقانه و صریح است.

بازخورد این طرح تا کنون حتی از جانب افرادی که ساکن آمریکا نیستند غافلگیرکننده بوده است. این بازخورد برای همه‌ی ما مایه‌ی دلگرمی و یکی از دلایل و انگیزه‌های اصلی بقای این پروژه پس از مطرح شدن آن برای نخستین بار در چهره نما است.

در این مقاله‌ی کوتاه، بدنه‌ی مدیریتی این طرح نوین و یکسری نکاتی که توسط همکیشان و دوستان دلسوزمان گوشزد شده‌اند را بررسی می‌نماییم.

بدنه‌ی مدیریتی:

دو بدنه‌ی اصلی عهده دار نظارت و پیاده سازی برنامه‌ی این پروژه اند. انجمن شورا و انجمن اجرایی.

انجمن شورا: شامل مشاوران ذیل می‌باشد که در مورد مسایل اساسی مورد مشورت قرار می‌گیرند. هموندان انجمن شورا در حقیقت زیرساخت سیستم پشتیبانی تصمیم گیری هستند تا اطمینان حاصل نمایند هر تصمیم مهمی به بهترین شیوه‌ی ممکن گرفته شود که به موفقیت این ابتکار عمل و به عبارت دیگر انتخاب "اولین ایرانی زرتشتی عضو مجلس نمایندگان آمریکا" بیانجامد.

اعضای انجمن شورا عبارتند از: دکتر سوسن آبادیان، دکتر داریوش جهانیان، دکتر پارمیس خطیبی، دکتر فرخ شاداب، دکتر کوروش کیخسروشاهرخ، دکتر مهرداد مهداد، دکتر خسرو اسفندیار مهرفر، و دکتر بهمن نوروزیان.

انجمن اجرایی: تشکیل شده از جوانان ما که به چند کمیته‌ی مختلف تقسیم می‌گردد. هر کمیته عهده دار یکی از امور خاصی است که در برنامه‌ی کلی این ابتکار عمل مطرح و در چاپ‌های گذشته با خوانندگان چهره نما، نشریه‌ی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در میان گذاشته شد. وظایفی از قبیل آگاه سازی، اطلاع رسانی، بازاریابی، و گسترش زیرساخت‌های پشتیبانی در سطح منطقه‌ای، کانتی، و ایالتی در سراسر کشور توسط جوانان ما در هیئت اجرایی، برنامه ریزی و اجرا می‌گردند که توسط گلستا شاپورغیبی در غرب و نوشین فرهاد گشتاسبی در شرق آمریکا راهبری می‌شوند.

گلستادانشجوی مستعد سال آخر دانشگاه برکلی کالیفرنیا است و در چهار سال گذشته دانشجویی ممتاز بوده است. او مسئول هیئت اجرایی و مدیراموری خواهد بود که توسط کمیته‌های جوانان پیاده سازی خواهد شد. نوشین یکی دیگر از جوانان

مستعد ماست که فارغ التحصیل دانشگاه یل و دانشگاه ایرواین کالیفرنیا است و هم اکنون در یکی از بیمارستان‌های کودکان در شرق آمریکا مشغول به کار است. همانند گلستا، نوشین تا کنون جوایز مختلفی دریافت نموده و از سنین پایین در زمینه‌ی ارائه‌ی خدمات اجتماعی فعال بوده است تا فرهنگ ایرانی و شالوده‌ی اصلی آن، دین بهی زرتشتی را احیا و پاسداری نموده و گسترش دهد.

در کنکاش فرهنگ ایران که بدنه‌ی اصلی این ابتکار عمل است، ما به این دو جوان زرتشتی و تیم آنها که متشکل از جوانان ماست افتخار میکنیم. یکسری نکات را لازم میدانم اطمینان حاصل کنم که کاملاً واضح و قابل فهم می‌باشند. اولین مورد یک نکته‌ی شخصی اما لازم به ذکر است. تعدادی از شما، که بدون شک از روی پشتیبانی صمیمانه و توجه خالصانه است، مصر بوده اید که بنده برای این سمت اقدام نمایم و تعداد زیادی اظهارات لطف آمیز و دلایل گوناگون از سوی شما آورده شده که نمی‌خواهم به آنها بپردازم. همانطور که به همگی شما طی مکالمات تلفنی که داشتیم بیان نمودم، در اینجا نیز برای اینکه همگی متوجه شوند ذکر می‌کنم که سن واجدین شرایط بین ۱۳ تا ۳۹ سال است. این گروه سنی را بنده از روز نخست انتخاب کرده و تاکید ورزیده و رعایت آن را جزو پروتکل اصلی این پروژه می‌دانم.

دلیل اصلی این گروه سنی همانگونه که در نخستین مقاله توضیح داده شد، دیرپایی آن است، به گونه‌ای که با پشتیبانی جمعی ما، نماینده‌ی ایرانی زرتشتی فرصت زیادی در پیش روی شغل حرفه‌ای و سودمند خود داشته باشد که بتواند نیازها و اهداف ما را در مجلس نمایندگان ارائه دهد. بنابراین، بنده واجد شرایط نبوده و نخواهم بود. اما سپاس ویژه خود را نثار توجه و لطف شما می‌نمایم.

نکته‌ی دوم این است که این امر به طور مختص کاری گروهی است که با تعداد قابل توجهی از جوانان ما که توسط رهبران جوان ما گلستا و نوشین در جنبه‌ی اجرایی و انجمن مشاوران دانا و باتجربه‌ی ما در جنبه‌ی مشاوره و راهنمایی مدیریت خواهد شد؛ این یک تلاش جمعی خالصانه و حقیقی است در راستای هدفی دست یافتنی، واقع بینانه، و قابل تحقق در بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ۱۰ ساله‌ی این پروژه که در مقالات گذشته‌ی نشریه‌ی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا، چهره نما، به جزئیات بیشتر آن پرداخته شد.

مشخص است که موفقیت این پروژه به برنامه ریزی صحیح و پیاده سازی کارآمد امور مختلف توسط اعضای شایسته و لایق گروه بستگی دارد.

با احترام صمیمانه و سپاس فراوان از همه‌ی همکیشان و خوانندگان نشریه‌ی وزین چهره نما و تقدیر از پشتیبانی و توجه مستدام شما و با ایمان به پیروزی این طرح.

دکتر خسرو اسفندیار مهرفر متولد تهران ایران بوده و در سال ۱۹۷۹ برای ادامه‌ی تحصیل به آمریکا می‌آید. دکتر مهرفر یک زرتشتی ایرانی کنشگر در کارهای مختلف فرهنگی و اجتماعی است که با همسر و خانواده‌ی خود در کالیفرنیا جنوبی زندگی می‌کنند. دکتر مهرفر بنیانگذار انجمن کورس بزرگ سازمان ابتکار زرتشتیان و یکی از بنیانگذاران کنکاش فرهنگ ایران می‌باشد.

گلستا شاپورغیبی متولد کرمان می‌باشد و ۵ سال پیش به به آمریکا مهاجرت کرده است. گلستا در حال حاضر دانشجوی رشته‌ی شیمی در دانشگاه برکلی کالیفرنیا می‌باشد. او به شعر و ادبیات علاقه‌ی فراوان دارد و در اوقات فراغت شعر می‌سراید.

اشعارش بیشتر در مورد ایران و دین زرتشتی هستند.

زرتشتی نمونه سال



برای ارج نهادن به افراد تاثیر گذار در هازمان زرتشتی امریکای شمالی و شناساندن آنها به افراد، گروه مدیران دوره ۲۲ مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برنامه گزینش زرتشتی شایسته سال امریکای شمالی را در سال ۲۰۲۰ پایه گذاری نمود.

گروه مدیران تنها برگزار کننده این برنامه بود و خود هیچگونه دخالتی در فرایند این برنامه نداشت.

برای آغاز کار از همه هموندان و همکیشان درخواست نمودیم افرادی که در سال ۲۰۲۰ برای هازمان زرتشتی کارهای سودمندی را در جهت گسترش و آموزش، آموزه های زرتشت و یا خدمات اجتماعی برای بالا بردن سطح دانش و آسودگی هازمان داشته اند را توسط ایمیل همراه با چکیده ای (خلاصه ای) از فعالیت های نامزد مورد نظرشان به گروه مدیران معرفی نمایند.

در پایان وقت مقرر نامه های نامزدهای معرفی شده را همراه با شرح کارشان را برای گروه داورها که تشکیل شده بود از افراد معتمد هازمان زرتشتیان ایرانی و پارسی فرستاده شد و داوران گرامی هم بر پایه چند مورد نسبت به شناسایی زرتشتی نمونه سال ۲۰۲۰ امریکای شمالی اقدام نمودند.

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا پی مراسم ویژه ای در تاریخ از همه نامزدهای زرتشتی شایسته سال تقدیر نمود و زرتشتی برگزیده که بانو آرتمیس جوانشیر بود را با اهدای یادبود سوشیناس به همگان شناسایی نمود

برگزاری این برنامه بدون یاری دوستان امکان پذیر نبود و سپاسگزار بانو گیلدا و کدیان بهرام کسروی برای پرداخت هزینه برنامه و همچنین آقای مهندس بهنام ابادیان برای تهیه یادبود سوشیناس هستیم.

اکنون گروه مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا گروه برگزاری زرتشتی نمونه سال را برپا نموده است که این شناسایی به گونه هرساله برگزار گردد. آرمان داریم که این برنامه بتواند به همزوری و همیاری بیشتر افراد هازمان خوش نام زرتشتی یاری برساند.



برگزار شد.

• مرکز زرتشتیان کالیفرنیا با همکاری گروه گهنبار روز یکشنبه ۴ جولای جشن تیرگان (آبریزان) را در پارک وان سکورمایل فانتن ولی برگزار نمود این برنامه شاد با آیین زیبای گهنبار میدیو شهیم گاه بستن نخ تیروباد و آبریزان همراه بود و نوجوانان عزیز فلسفه ی جشن را به زبان انگلیسی برای کوچکترها تعریف کردند.

• مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برنامه آموزش و تمرین والیبال را برای جوانان ۱۱ تا ۱۹ سال به سرپرستی آقایان سیامک ظهراپی، فرشید ذهبی و فرشید نمیرانیان در دریمهر اورنج کانتی برگزار می کند. کلاسها در روزهای یکشنبه از ساعت ۹ تا ۱۰ و ۱۰ تا ۱۱ می باشد.

• کلاسهای گروه آموزش مرکز زرتشتیان کالیفرنیا شاخه اورنج کانتی از تاریخ ۲۲ اگوست آغاز گردید. این کلاسها شامل آموزش اوستا، آموزه های دینی، خواندن و نوشتن فارسی، آموزش زبانزدها(ضرب المثل) و تفسیر شاهنامه، تاریخ ایران باستان، تفسیر گاتها و کاربرد آن در زندگی روزمره می باشد. این کلاسها از ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۱ تا ۵ جون ۲۰۲۲ در روزهای یکشنبه در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا-اورنج کانتی بصورت حضوری با رعایت اصول بهداشتی برگزار خواهد شد

• مرکز زرتشتیان کالیفرنیا (شاخه اورنج کانتی) کلاسهای داستان گوئی، کاردستی، نقاشی و سرودهای کودکانه برای کودکان ۳-۴ سال به سرپرستی آرزو بهرامی از یکشنبه ۱۲ سپتامبر

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برنامه های زیر را با زوم برگزار نمود

- بزرگداشت اشتاد ایزد ۱۰:۳۰-۹ بامداد
- دین دبیره با دکتر نوشین جهانگیری ۹:۳۰ تا ۱۰ بامداد شنبه
- کلاس موبد فریبرز شهزادی از ۱۰ تا ۱۰:۳۰ بامداد. این برنامه به زبان انگلیسی است.
- شاهنامه خوانی با دکتر چاپچی ۱۲-۱۰:۳۰ شنبه ها
- سری برنامه های تعادل فکر و جسم با همکاری گروه پزشکی شفاو سفیر جهانی خنده (استاد پرورش) بر اساس طب شرقی به همراه تایچی و مدیتیشن از ۹:۴۵-۱۱:۱۵ یکشنبه ها
- نیایش با موبدان مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از ۱۲-۱۲:۳۰ یکشنبه ها
- برنامه پیام زرتشت بررسی سرود گاتها همراه با پرسش و پاسخ با شهروز اش ۲ پسین یکشنبه ها
- با سرافرازی به آگاهی شما می رسانیم که رای گیری برای ایجاد دگرگونی ها در بنیادنامه (اساسنامه) با همزوری شما نیک اندیشان هازمان با ۸۶.۲ درصد رای موافق از مجموع کل هموندان به تصویب رسید. از هم اکنون مرکز های لس آنجلس و سن دیگو به گونه رسمی در زیر چتر مرکز زرتشتیان کالیفرنیا قرار گرفته اند.
- آموزشهای پایه ای برای تمام گروه های سنی ۱۸ سال به بالا در رابطه با برنامه ریزی مالی و حفاظت از حسابهای بانکستگی با بانو سودابه احتشام و کامبوزیا فرهنگی از ۱۰-۱۱ یکشنبه با زوم

ساعت ۹-۱۰ بامداد آغاز کرد.

• جشن مهرگان در روز شنبه ۲ اکتبر از ۶ پسین در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار شد.

• مرکز زرتشتیان کالیفرنیا به یاری گروه گهنبار آیین گهنبار چهره پشته شهیم گاه را در روز اشتاد ایزد ۱۲ سپتامبر با توجه به قوانین بهداشتی از ۱۱ بامداد تا ۱ پسین برگزار نمود.

• گروه نگرش بر گزیدمان گروه مدیران مراکز زرتشتیان کالیفرنیا ۲۰۲۱ نتایج این دوره گزیدمان گروه مدیران مراکز زرتشتیان کالیفرنیا (اورنج کانتی- لس آنجلس - سن دیگو) را اعلام کرد. به تمامی منتخبین گروه مدیران ۲۰۲۱ مدیران مراکز زرتشتیان کالیفرنیا (اورنج کانتی- لس آنجلس - سن دیگو) تبریک گفته و امیدواریم با مدیریت شایسته شما جامعه زرتشتیان کالیفرنیا با اتحاد و انسجام بیشتر پیش به سوی آینده پیشرفت کند.

• مرکز زرتشتیان کالیفرنیا به یاری گروه گهنبار آیین گهنبار چهره ایاسرم گاه را در روز اورمزد و آبان ۱۷ اکتبر از ۱۱ بامداد تا ۱ پسین برگزار نمود.



• مرکز زرتشتیان کالیفرنیا بزرگداشت کورش بزرگ را روز شنبه ۱۳ نوامبر، ۶ پسین برگزار نمود. این برنامه شامل سخنرانی، فیلم و برنامه های هنری زنده بود.

آگهی

• با تصویب گروه زنده داران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا قیمت هر قطعه ارامگاه در رز هیل به ۷۰۰۰ دلار تغییر یافت.

• با آگاهی به اینکه شمار زیادی از همکیشان به آمریکا به ویژه جنوب کالیفرنیا می آیند، و از سویی دیگر افزون شدن دلبستگان به آیین زرتشت، مرکز زرتشتیان کالیفرنیا بر آن است که گنجایش ساختمان اورنج کانتی و آتشکده را به بهترین گونه و با کمترین دگرگونی با کدهای امروزی افزایش دهد و درون آن را زیبا سازی و به روز نماید تا هازمان ما از مرکزی در خور و شایسته تر بهره مند گردند. از این روی گروه ساختمانی با همزوری هموندان گروه امنا و مدیره مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در این خصوص تشکیل گردیده است.

• مرکز زرتشتیان کالیفرنیا با همکاری کنکاش فرهنگ ایران بر آن است تا برنامه ای را به روش زوم از نیمه ماه می با سرنام "موفقیت در زندگی" آغاز کند. آرمان این برنامه، یاری به ساختن بستر و بن مایه برای پیشرفت بیشتر و کامیابی، چه در گستره زندگی فردی و چه زندگی پیشه ورانه و کاری، برای بهدینان می باشد.



خود می بینید از آمدن به مرکز خودداری نمایید. به مرکز دهش نموده و از بخشودگی مالیاتی برخوردار شوید. با دهش خود مرکز را یاری نمایید

• تارنمای www.zconnectonline.com که بوسیله جوانان داوطلب و با پشتیبانی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا آماده شده پلی پیوندی است بین همه زرتشتیان در هر جای گیتی. برای نمونه در این تارنما شما می توانید به امکانات زیر دسترسی داشته باشید:

همه انجمن ها و ارگان های سراسر جهان می توانند برنامه های خود را با بهره گیری از این تارنما آگاهی رسانی کنند. افراد با دلبستگی مشترک میتوانند یکدیگر را پیدا کنند. جوانان می توانند با بهره گیری از این تارنما گردهمایی، اردو و یا هر گونه برنامه ای را آماده و به آگاهی دیگران هم برسانند. در این تارنما بخشی برای کارایی موجود است که کارفرما ها و افراد جویای کار می توانند با هم در تماس باشند. خدمات دهنده ها و افراد صاحب پیشه

تنها کسانی می توانند در این برنامه ها هنباز شوند که هموند هازمان زرتشتی باشند. کارایی این برنامه برای کسانی بیشتر خواهد بود که در ده سنی ۱۳ - ۳۹ سال سن باشند. برای نام نویسی در این برنامه به مرکز زرتشتیان کالیفرنیا با شماره ۷۱۴۸۹۳۴۷۳۷. زنگ بزنید یا به ایمیل office@czc.org پیام دهید. در صورت به حد نصاب رسیدن این دوره تشکیل می شود.

• جلوه های حماسی در داستان های عاشقانه شاهنامه با دکتر چایچی ۱۰:۳۰ تا ۱۲ بامداد شنبه ۶ نوامبر به روش زوم برگزار می شود

• مرکز زرتشتیان کالیفرنیا با همکاری دکتر سودابه ملکزاده کلاس تاریخ ایران باستان را یکشنبه آخر هر ماه در مرکز برگزار میکند.

• نیایشگاه برای استفاده همه هموندان و همکیشان باز می باشد. خواهشمندیم کتاب اوستا، روسری و کلاه را با خود بیاورید. اگر نشانه های بیماری را در



کمک یارانه تحصیلی اهدا نمودند. خانواده خطیبی مبلغ ۲۲۵۰۰ دلار را برای این کار فرهنگی دهش نمودند. این گزینش توسط گروهی و مستقل از خانواده هرساله انجام می گیرد. در زیر اسامی دانشجویانی که امسال برنده این scholarship شده اند را به آگاهی می رسانیم.

۱- فرزادرستیمان ۲- نازنین ایران زمینی ۳- کورش سلامتی ۴- پویا بهدینان ۵- نیوشا پور دهموبد ۶- یاسمین رستمجی ۷- آرین فرهی ۸- دیبا خسروی ۹- ساینه سلامتی ۱۰- میترا کاوسی ۱۱- سانایا ایرانی ۱۲- آرمیتا بختمن ۱۳- نیلوفر خدادادی ۱۴- گلشید فرامرزبان ۱۵- مژگان دانیل خسروی

اروزی موفقیت روز افزون برای این دانشجویان را داریم.

از بانو فرشته خطیبی یزدانی و فرزندان ایشان دکتر ارمیس، دکتر پارمیس و دکتر نیکان خطیبی و همچنین کدبان شایههراهم یزدانی که این دهش

تمامی منتخبین گروه مدیران ۲۰۲۱ مدیران مراکز زرتشتیان کالیفرنیا (اورنج کانتی) - لس آنجلس - سن دیگو) تبریک گفته و امیدواریم با مدیریت شایسته شما جامعه زرتشتیان کالیفرنیا با اتحاد و انسجام بیشتر پیش به سوی آینده پیشرفت کند.

هموندان گروه مدیره اورنج کانتی: شهرام پوراسفندیاری، اشکان ذهبی، ماندانا پیشدادی، مهناز بهمردیان، سیروس گنجی، عادلله آلبا شهرام راوری هموندان گروه مدیره لس آنجلس: فریدون آبتین اردشیر بختیانی، مونیکا جهانگیری، گلی جمشیدی فروغی، هوشنگ مهرخدوندی، مهران پوردهقان، پورشسب صفاهانی زاده، میترا زرتشتی هموندان گروه مدیره سن دیگو: ژاله فرامروس، فریبرز مهرشاهی، میترا جاویدان، رامک رهنمون، راییتی راوری

• خانواده تیمسار هوشنگ خطیبی به مانند سال های گذشته به ۱۵ نفر از دانشجویان واحد شرایط

می توانند در این تارنما آگهی بدهند. با استفاده از این تارنما افراد می توانند فراورده های خانگی خود را به گونه آنلاین خرید یا فروش کنند. این تارنما از تاریخ ۱۵ سپتامبر راه اندازی شده و برای استفاده آماده است. برای دیدن آگهی های موجود و یا برای دادن آگهی از تارنمای

<https://www.zconnectonline.com>

دیدن نمایید.

• گروه هنر مرکز زرتشتیان کالیفرنیا آموزشهای دف، تار، گیتار، رقص و پیانو را با فرید قاسمی، فرین سرداری، داریوش خواجه نوری، شیرین گلزاری و فرامرز رشیدی به صورت حضوری و غیر حضوری برگزار می نماید برای آگاهی بیشتر به مرکز زنگ بزنید

• گروه نگرش بر گزیدمان گروه مدیران مراکز زرتشتیان کالیفرنیا ۲۰۲۱ نتایج این دوره گزیدمان گروه مدیران مراکز زرتشتیان کالیفرنیا (اورنج کانتی) - لس آنجلس - سن دیگو) را اعلام کرد. به

فرهنگی را انجام می دهند سپاسگزاری و قدردانی می نمایم

پرسه

• درگذشت روانشاد بانو پریدخت رستم ماونداد زرتشتی را آرامش باد گفته و از درگاه اهورامزدا برای تازه درگذشته شادی روان و برای خانواده دیرزیوی به همراه تندرستی خواهانیم. پرسه ی آن روانشاد با زوم برگزار شد.

• درگذشت روانشاد مهرناز ملک پور را آرامش باد گفته و از درگاه اهورامزدا برای تازه درگذشته شادی روان و برای خانواده دیرزیوی به همراه تندرستی خواهانیم. پرسه ی آن روانشاد با زوم برگزار شد.

اوستاخوانی

۳۰۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد مانکجی هرمزدیار آبادی
بانو شهناز کرمانی هورمزدی ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد همایون بهرام مزدایی
بانو سرور خسروپور ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد بیژن مزدایی
بانو پریمه کمدار ۵۰ دلار
آقای گشتاسب رستمی ۱۰۱ دلار
بانو مهوش پارسایی گشتاسبی ۷۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد خرم پارسایی
آقای رستم کرمانی ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد همایون بهرام گشودی
بانو پریراد باختری ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد شیرین هرمزی
بانو فرشته یزدانی خطیبی ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد دکتر هوشنگ خطیبی

بانو پریرخ کیهانی ۵۵۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد اختر شجاع زادگان
آقای منوچهر نوروزیان ۳۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد کنایون هورشتی
بانو نسرین اردیبهشتی والت من ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد تاج کشورستانی
بانو ماهرخ نامداری ۱۰۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد همایون مهربان سروش
بانو ژاله یلزاده ۵۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد کیخسرو یلزاده
بانو ژاله یلزاده ۱۰۰۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد دینار زعیم جمشیدی زاده
بانوان هما مهرنوش ویدا زرتشتی ۳۰۰۰ دلار به نامگانه روانشاد پریدخت ماونداد زرتشتی
آقای فردوس ایرانی ۲۵۰ دلار به نامگانه روانشاد بهناز شهزادی
آقای هوشنگ روحانی و بانو گلی امانی ۲۰۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد شیرین مهربانی پور
بانو سیمین بستان ۴۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد آلن بستان
بانو پروانه نمیری کلانتری ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد سیروس کلانتری
بانو ژاله یلزاده ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد سلطان زرین دخت
آقای بهروز بهی زاده ۳۰ اوستا خوانی برای روانشاد مهیندخت بلندی
بانو ژاله یلزاده ۲۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد آریتا زعیم جمشیدی زاده
بانو ماهرخ نامداری ۳۶۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد هرمزدیار آبادی
آقای منوچهر گهر ریزی ۲۰۲ اوستا خوانی برای

روانشاد فریبرز گهرریزی
دهشمندان
دکتر بهرام و بانو مهناز فرهادیه ۲۰۰ دلار
بانو فرانک سیوشانسی همتی ۵۰ دلار
آقای اردشیر خسرویانی ۵۰۰ دلار
دکتر اردشیر و بانو شیدا فرهنگی ۷۰۰ دلار
آقای شهرام قندهاری زاده ۵۰۰۰ دلار
آقای سیروس نمیرانیان ۷۰ دلار
آقای شاه جهان کسروی ۵۰ دلار
آقای اردشیر خسرویانی و بانو دیبا ایزدیار ۵۰۰ دلار
آقای بهروز نمیری ۳۰۰ دلار
بانو شبنم موبد ۵۵۰ دلار
بانو فرشته ارغوانی ۲۰۰ دلار
آقای رستم شیرمردیان ۱۵۰ دلار
بانو ماندانا کاووسی ۱۰۱ دلار
بانو فرناز شاهویر ۳۰۰ دلار
آقای کامران کابلی زاده ۱۰۱ دلار
بانو پریسا مهداد ۱۰۰۰ دلار
بانو مهرناز گیو ۲۰۰ دلار
بانو شیرین ماوندی ۱۰۰ دلار
آقای اردشیر مهرشاهی و بانو شکوفه دهموید ۳۸۵ دلار
آقای فرخ و بانو گلی فروغی ۵۰۰ دلار
بانو مهناز دارابیان ۱۰۰۰ دلار
آقای بهروز نمیری ۲۷۳.۲۲ خرید تلویزیون
خانواده شادپور ۵۰۰ دلار
آقای روزبه کسروی ۱۰۱ دلار
بانو فرزانه مهرفر ۱۵۱ دلار
بانو جوان مزدایی ۲۵۰۰ دلار برای سیستم یو وی مرکز
آقای شاهجهان کسروی ۱۰۰ دلار

دکتر تیرانداز گشتاسبی ۱۰۰ دلار برای بازسازی
نیایشگاه

خیراندیش ۳۰۰۰ دلار برای مجسمه کورش
آقای پرویز منوچهری ۵۱۰۶۳
بانو پریدخت موبد ۱۰۰ دلار برای کمک به
نیازمندان

آقای هوشنگ روحانی و بانو گلی امانی ۲۰۰
دلار برای کمک به نیازمندان
بانو مهناز فرهادیه کمدار ۲۰۰ دلار
بانو پریرزاد باختری ۱۰۰۰ دلار
دهش به کمیته ورزش

بانو فرشته یزدانی خطیبی ۷۵۰ دلار
آقای پرویز منوچهری ۲۹۲۶۵ دلار خرید لوازم
آقای آرش ذهبی ۳۰۰ دلار
آقای اشکان ذهبی ۵۰۰ دلار
خیراندیش ۲۹۵ دلار
خیراندیش ۳۰۱ دلار

آقای هوشنگ روحانی و بانو گلی امانی ۳۰۰
دلار

اسامی افرادی که از تاریخ ۲۰۲۱/۰۴/۰۷ تا
تاریخ ۲۰۲۱/۰۷/۱۰ برای برگزاری مراسم
گهنبار ۵۰ دلار یا بیشتر دهش نموده اند
آقای سهراب رستمیان بنامگانه پدر، مادر، پدر
بزرگ و مادر بزرگشان روانشادان جهانگیر،
شیرین، رستم و کتابون ۳۰۰ دلار

خانم نسرين نمیرانیان برای تندرستی ۲۰۰ دلار
خانم پروین موبد، نیلوفر بهدینان و کیانوش
بهدینان ۱۵۰ دلار

آقای اردشیر مهرشاهی بنامگانه پدرشان
روانشادشهریار مهرشاهی و پدر همسرشان
روانشاد جمشید دهموبد نصر آبادی ۱۵۰ دلار
خانم مهین بانو آقای ایرج سلامتی بنامگانه

روانشادان خسرو جمشید، گل مرزبان سلامتی
، بهرام اسفندیار بهمردی، خورشید و گوهر
جمشیدی ۱۰۱ دلار

خانواده اردشیری بنامگانه روانشادان فیروزه
خدارحم یادگار، شیرین کاووس و اردشیر خسرو
۱۰۱ دلار

آقای جمشید اورمزدی ۱۰۱ دلار
آقای سام، خانم آرمیتی و آقای کوروش آبادانی
بنامگانه مادرشان روانشادشیرین دینیار یزدانی
کمک غیر نقدی

اسامی افرادی که ۱۰۰ دلار دهش نموده اند
آقای بهداد فرزانه

خانم ایراندخت جهانیان بنامگانه همسرشان
روانشاد کیخسرو سروشیان
خانم دنواز حقیقی بنامگانه همسرشان روانشاد
دکتر گشتاسب آبتین

خانم آرزو و آقای اشکان کسروی بنامگانه مادر
و پدرشان روانشادان مهربانو و داریوش کسروی
خانم شکوفه دهموبد بنامگانه روانشاد جمشید
اردشیر دهموبد

خانم گوهر روزبهی بنامگانه روانشاد خداداد
اردشیر مهرشاهی

آقای منوچهر دهموبد بنامگانه پدرشان روانشاد
فریدون رشید دهموبد

آقای مهربان دمهری بنامگانه روانشادان پدر،
مادر و برادرشان

خانم شهرزاد و آقای کورش رشتتاری بنامگانه
روانشاد منوچهر رشتتاری

آقای کیخسرو کاووسی بنامگانه روانشادان
دولت سلی و خدابخش کاووسی ۶۰ دلار

خانم کشور ذهبی بنامگانه همسرشان روانشاد
خدایار رستمیان ۵۵ دلار

آقای مهربان دهموبد بنامگانه روانشادان رستم و
سرور و فرزندان ۵۱ دلار

خانم مهرانگیز جم زاده بنامگانه مادر و پدرشان
روانشادان شیرین و اسفندیار جم زاده ۵۱ دلار
خانم مهرانگیز جم زاده بنامگانه همسرشان
روانشاد ارسطو قندهاری ۵۱ دلار

خانم گوهر پوروفاداری بنامگانه مادر و پدرشان
روانشادان خرمن خسروی و رستم پوروفاداری
۵۱ دلار

اسامی افرادی که ۵۰ دلار دهش نموده اند
خانم شیرین همایی برای سلامتی نوه شان
خانم همایون مندگاری شریف آباد بنامگانه
همسرشان روانشاد البرز کاموسی شریف آباد
خانم بانو و نامدار مزدیسنی
آقای کامبیز ایرانی بنامگانه روانشاد تهمتن ایرانی
خانم پروین دهموبد

یک خیراندیش
آقای پرویز مهرشاهی بنامگانه روانشاد خداداد
مهرشاهی

یک خیر اندیش برای شادی همه درگذشتگان
باسپاس از تمامی دهشمندان، تندرستی، بهروزی
وپاداش نیک اندیشی ایشان را از اهورامزدا
آرزومندیم



Looking for sell or buy your dream home?

ARMIN GHAIBY

Real Estate
Commercial and Residential
(949) 266-6565

HOMESMART Evergreen Realty BRE# 01927203

California Zoroastrian Center
8952 Hazard ave
Westminster, Ca 92683

Non-profit Org
U.S Postage
PAID
Permit No. 12300
Huntington Beach, CA 92647

Zoroastrian Youth in Art

CHEHREH NAMA

Publication of California
Zoroastrian Center

www.czcjournal.org



NO 199

December 2021

Editor's Note:

A positive side effect of Covid in the last two years for me has been increased opportunities to hear about young Zoroastrians on roads less traveled. As a tiny religious minority, I grew up knowing we have to be successful by profession, have above average education and be financially set. Those were the standards expected as we must show case that our numbers don't indicate our potential.

Many Zoroastrian parents have transferred that expectation to their children and pushed them into academics with or against their child's wants and desires. This can result in the child growing up missing their actual talent and potential for growth and happiness as they feel obligated to follow their parents' wants. I have been enlightened to see many young Zoroastrians who actually follow their passion and go into visual art, animation art, culinary art, design and craft, writing, theater, music, etc.

It makes me so happy to show case these youngsters and hope that another kid somewhere can be inspired that we don't all have to be doctors and engineers as long as we love what we do.

*Ushta,
Fariba*

You can donate online to any CZC publication by going to: www.czcjournal.org and at the bottom of the page you will see the following: please consider donating to chehrenama. Thank you
CZC will send you IRS accepted receipt IRS for any donation of amount.

Editorial Policy:

The opinions expressed in articles we publish are those of the authors, and may or may not represent the views of the Editorial Board of Chehrenama, or the Board of Directors of CZC. Chehrenama is a quarterly publication published in March, June, September and December.

This publication is printed with the help of donation from Morvarid Guiv Trust



HEAVEN AND HELL IN THE ZOROASTRIAN FAITH

Meheryar N. Rivetna

References have been removed by the publication and are available upon request



The influence of the Zoroastrian faith on all the major religions—particularly Judaism, Christianity and Islam—is well established with irrefutable scholarly evidence. Predominantly, the concepts of heaven and hell, resurrection, judgment day in the Abrahamic faiths come from Zarathustra's teachings. The ardent Zoroastrian will incorrectly challenge this fact arguing that, if anything, the reverse is more likely.

The University of Oxford Gatha scholar Lawrence Mills informs us, "The mental heaven and hell with which we are now familiar as the only future states recognized by intelligent people, thoughts which, despite their familiarity, can never lose their importance, are not only used and expressed in the Gathas, but expressed there, so far as we are aware, for the first time." [Emphasis is mine.]

These concepts, oft mentioned in the Gathas, are figurative and not to be taken literally as conventionally believed by some Zoroastrians, as well as practitioners of other faiths.

Before delving into an understanding of these metaphorical concepts, let us dispense with the literal terminology of these concepts in scripture—particularly the Gathas and the Hadokht Nask.

Heaven. The reverential Zoroastrian response to the news of someone's death is, "May the soul of the departed rest in Garothman Behest." Garothman (heaven) is Persian for Avestan garō demānē, a term which is found in Ha 45.8, Ha 50.4 and Ha 51.15, often translated as "Abode of Glory" or "Abode of Song", but commonly acknowledged to mean heaven. While the Gathas allude to only one heavenly state (garō demānē), the Hadokht Nask (Yt 22.5) and the Vishtasp Yasht (Yt 24.61) refer to four grades of heaven: Humata (good thoughts), Hukhta (good words), Huvarashte (good deeds) and finally Garothman. Each of these grades is identified as star paradise, moon paradise, sun paradise and infinite light paradise, respectively. (See also the renowned scholar Dastur Maneckji N. Dhalla's History of Zoroastrianism.)

Hell. The opposite of garō demānē is drūjo demānē translated as abode of the druj (evil), but accepted to mean hell. Drūjo demānē, the destiny of evil souls, occurs in the Gathic verses Ha 46.11, Ha 49.11, and Ha 51.14. Hell is also divided into four grades in Yt 22.5: Dushmatah (evil thoughts), Duzhuktah (evil words), Duzhvarastah (evil deeds) and the ultimate place of eternal darkness.

Chinvat Bridge. In Zoroastrian lore, the departed soul is subject to judgment before it finds its final destiny. The Chinvat Bridge (chinvatō peretūm) is mentioned in the Gathic verses Ha 46.10, Ha 46.11 and Ha 51.13. It is generally translated as the "Bridge of the Separator" or "Bridge of Judgment." Three psychopomps, Rashnu, Meher and Sroasha, sit in judgment of the soul at the entry to the bridge. If the good deeds of the departed soul outweigh the bad deeds, the soul gets safe passage across the bridge into heaven; if the bad deeds outweigh the good, the bridge narrows, opens up and the soul plunges into hell. If the soul's good deeds equal its bad deeds, the soul is relegated to a half-way house: Hamistakān.

Evil/Druj. The Zoroastrian hell is not a burning hell in the bowels of the earth. Evil, in Zoroastrian lore, has its abode (hell) located in the north. In the Kem-na-Mazda prayer, the supplicant addresses evil or druj: ...apa druksh nase, apa druksh dvāra, apa druksh vinase, apakhedhre apa-nasyehe... (translation: ...perish, O druj, disappear utterly, O druj vanish entirely, perish in the north...)

Why north? A Gathic translation standing alone will not suffice to convey its intention; it must be accompanied with religio-historical interpretation. The same applies to other scriptural works. During Zarathustra's time there were two groups of people: the agriculturists/pastoralists who were a settled people tending to their crops and rearing livestock; the other group was a nomadic tribe that plundered and looted the lands and the cattle* of the settled people wreaking havoc on the settlements. These nomadic marauders came from the north; hence, evil was considered to reside in the north. [Generally, a Zoroastrian will not live in a house facing north; also, the body of a deceased is not placed with its head pointing north during funeral services.]

With the conventional representation of heaven and hell discussed above, we can now explore the rational meaning



behind these expressions.

Heaven. Garothman or garō demānē is not a celestial home or abode for the righteous in the literal sense. It is a state of perfection or the happiest condition of existence that humans must aspire to and attain in life. The good doctrines of life (the characteristics embodied in the Amesha Spentas) that are announced by Mazda can be heard by humans in garō demānē, that is when they are in the “abode” or condition of mental existence which is called the “Abode of Glory.” Humans can realize the glory of heaven right here on earth by immaculate moral conduct implemented by good thoughts, words and deeds.

The grades of heaven symbolize that the highest state of paradise can be increasingly attained by good thoughts, words and deeds. The association of the heavenly bodies with the grades of heaven signify increasing brightness of the astral entities: stars, moon, sun and, ultimately, infinite light. In Zoroastrian theology light is representative of righteousness (Asha) and humans realize the kingdom of God (Kshathra Vairya) when they are devoted (Armaiti) to righteousness (Asha) having used their good mind (Vohu Manah.) To reach the highest state of well-being (Haurvatat) and for it to be long-lasting (Ameratat), humans have to be increasingly righteous in life.

Hell. Drūjo demānē or hell is not a literal infernal dwelling for the wicked. It is that condition of human existence associated with bad conduct in one’s earthly life for relinquishing Ahura Mazda’s laws. From Ha 51.14 we learn that iniquitous (evil) humans causing pain and suffering to fellow humans know only a hellish life on earth living in a “demonic home” (drūjo demānē.) Here is not the least reference to the fate befalling such individuals after death.

Chinvat Bridge. This is an ancient Mazdayasni doctrine that Zarathustra figuratively uses in a few Gathic verses to express the idea of separating the virtuous from the vile. In Ha 46.10, Zarathustra announces that through his teachings he will show righteous individuals the path to a heavenly existence. The Chinvat Bridge is a metaphor for the path to happiness or misery right here in earthly life. The path is open for the virtuous to a “heavenly” existence; the path is closed to the malevolent who are consigned to a “hellish” existence on earth. Contingent on the choices, righteous or iniquitous, made in life, the path to happiness or despair “opens” or “closes” right here on earth.

Ha 30.4 is explicit in that heaven and hell are states of existence in earthly life subject to the path, that of virtue or that of vice, humans choose to follow.

Gatha scholars are unanimous in their translations and explanations of this profound concept in Ha 30.4:

Dinshah Irani: “The worst existence shall be the lot of the followers of evil,

The state of Best consciousness the reward of the righteous.”

*It is for this reason that Zarathustra gives the cow a voice (cow being a metaphor for the universe), lamenting, in Ha 29.1, the wrath, oppression, plunder, violence, evil to which it (the universe) is subjected.

Lawrence Mills: “For evil men Hell, the worst life, for the righteous the Best Mind, Heaven.”

Mobed Firouz Azargoshasb: “The followers of untruth and wick-

ed persons shall face the worst mental

situation, but the followers of truth and righteous persons shall enjoy the

best mental comfort.”

Stanley Insler (explains): “To adhere to the ways of deceit shall bring a man the very worst existence and extensive ruin, but the paradise founded upon and sustained by good thinking, along with the means of salvation in this world, awaits the pious man who follows the ways of truth.”

How did Zarathustra’s intelligent and pristine figurative concepts of heaven and hell morph into fantastic notions of physical abodes of reward or retribution?

Towards the end of the Achaemenid dynasty, and continuing into the Parthian and later in the Sassanian dynasties, an understanding of Zarathustra’s message was on the decline. The laity was lured by the teachings of self-proclaimed prophets and cults. Misrepresentation of Zarathustra’s message by the priests of the time and apostasy was on the rise. Deterioration of the faith was a wake-up call for the few clergy concerned with a diminishing following of the faithful.

The clerics recruited a priest, Arda Viraf, to feign a trip to heaven and the netherworld to bring back prevailing conditions yonder for those who were virtuous or wicked in life. They concocted horrific images for the iniquitous in what was described as hell and impressions of heavenly serenity for the righteous, recording these fanciful narratives in a book called Arda Viraf Nameh.

Taking these stories and the allegories in the Hadokht Nask literally sealed the existence of heaven and hell in the minds of a credulous flock. The masses missed the figurative tenor of these works. The Arda Viraf Nameh is meant to inculcate knowledge of the Zoroastrian religion and code of law. The description of hell and heaven is to instill in the followers of the faith the strictest idea of justice in that no crime goes unpunished and, at the same time, no good work, however trifling, goes unrewarded⁶. It is unfortunate that it took deception and fantasy to drive home the importance of good moral conduct⁷.

By perpetually molding our thoughts, words and actions to better ourselves, and those around us, we bring ourselves to the “best existence” or a heavenly state. The converse consigns us to the “worst existence” or a hellish life. The mind (Vohu Manah) must be devoted (Armaiti) to righteousness (Asha) for our life-long (Ameratat) well-being (Haurvatat) and, thus, we realize the Kingdom of God (Kshathra Vairya) right here on earth.

Meheryar N. Rivetna is an active member of the library committee of the Zoroastrian Association of Houston as well as on the FIRES committee. Meheryar retired from Merck & Co., Inc. and now devotes his time to research and the study of the Zoroastrian religion. Meheryar resides with his wife Zubeen Mehta in Houston, TX.

THE DIVINE

Roya Behmardian

My belief in god, to put it plainly, has evolved throughout my life. I had a hard time deciding whether or not I should even capitalize “god.” Maybe I would have a year ago, but I went with lowercase today, just to be risky. Being lucky enough to grow up in an open minded and loving Zoroastrian community, my understanding of it started as Ahura Mazda “the wise creator”.



I learned that Ahura Mazda created our world and everything we know that’s in it. There was no clear explanation for how that happened as far as I understood, but that was kind of the point. Acceptance of the unknown was an attractive aspect of Zoroastrianism that made sense to me. Also being told that I’m not here to be in service to Ahura Mazda, but rather, to internalize the Amesha Spentas as to reach a sort of equality with god. I don’t know if that’s consistent with what other Zoroastrians believe, but it’s the interpretation that made sense to me.

For a while, the above explanation was enough for me. Then I became a teenager, and I started to question whether I believed in an Ahura Mazda. You know when you hear a word enough times and you start to question what it even is? That’s how I felt about god. Maybe a part of me still questions these ideas, but I’d like to think that Zoroastrianism’s open-endedness was what enabled me to feel comfortable in those questions. Maybe it’s also what’s enabled me to feel comfortable enough to make up the word “open-endedness.”

Recently, I decided to check in with myself to see what my current beliefs are-at age 29-knowing full well that my feelings are subject to changing. In college, I learned the concept of “the gathering of the fourfold,” coined by philosopher Martin Heidegger. The fourfold is a thinking grounded

in how “things” come together; these four things are: earth, sky, mortals, and divinities. Never would I have predicted that my understanding of god would be inspired by the work of a German philosopher, but here we are. (Martin Heidegger Key Concepts, 2009).

“Earth” and “sky,” are meant to be taken in both a symbolic and literal way. Earth is the ground we occupy. Sky is the space that bears witness to that grounding. By mortals, Heidegger meant exactly that; human beings. When mortals gather together with sky and earth, there’s a possibility of what he referred to as “dwelling.” In that dwelling, divinities can emerge.

At this point you might be thinking, “what?” And that’s okay, I felt that way too at first. But now, when I think of god, I don’t necessarily think of one all-powerful being. I think instead of what can happen when certain people gather together.

For a few minutes each day, I find myself having quiet thinking time. In that time, I have these happy places I allow my mind to drift to. These places are very specific, special memories that I replay in my head. When I realize what all those memories have in common-it’s the feeling I felt as a result of the people I was with.

Have you ever experienced a moment where you were with one or more loved ones, and there’s something that tells you that this isn’t just going to be a regular memory? That there’s something, almost, other-worldly about it? I’m cautious about giving examples because I believe we all experience a unique and deeply personal version of this with our own people, in our own places. Whichever memory comes to mind for you, I understand when Heidegger wrote that that feeling is the emergence of divinities when the fourfold gathers. That feeling is bearing witness to something divine. And, I think that feeling is god to me. Maybe it’s love too, and perhaps those two ideas are synonymous.

Each of our understandings of god, and whether or not we believe in one, is a personal experience. It’s not meant to be judged, and it’s not meant to hurt those that believe differently. I don’t know if I would’ve felt this way if I didn’t group up in such a progressive Zoroastrian community; I am really grateful for that.

Believing that god is what emerges when I am with people I love helps me appreciate those moments and those people even more. It’s almost as if I see god in them, as cheesy as that is to say. Whether it’s true or not doesn’t really matter, and I’m not even sure if my explanation fits with the standard meaning of god. All I know is that it’s a really beautiful feeling when I think about it, so I’m just going to keep doing that for as long as it stays beautiful.

Roya Behmardian was born and raised in Southern California. She has attended CZC’s Persian and religious classes all through her childhood. She graduated from UCI with a Masters of Art in teaching and is currently an elementary school teacher.

"OF BORDERS AND BELONGING" ALMITRA MAVALVALA

ALMITRA MAVALVALA



People often look back at their lives and wonder 'what if'. Fortunately, I am not one of those people. My name is Almitra and I am a Performer-Writer-Composer in Sydney Australia. I was born and raised in Karachi, Pakistan. When I was younger, I did not like school. I also didn't have the best attention span. My mother will attest to how I was "a smart kid but never applied myself". I was never book smart; I was always more of a hands-on kind of learner. So, I engaged in sports and music and drama. I stepped foot on a stage when I was 2 years old- I remember dressing up as Miss Universe in a one-piece swimsuit and a sash and walked on to the middle of the stage and said absolutely nothing. If I remember correctly, I actually started crying and ran off stage. Some people find their calling very early on in life, some find it through many, many, MANY bad decisions, and some, never do.

As you probably gathered from my statement, I am the middle category. Just like I am a middle child. I could never do anything right, but I always found comfort when I put pen to paper. And that started for me when I was 8 years old.

When you grow up in a country like Pakistan, your options to study are very limited. However, never did I miss an opportunity to get out of my comfort zone. I went to an all-girls private school and in my senior year of high school I ran for President but got elected Vice-President. I didn't really see that as a failure and I think it's important, more so for this generation, to understand that failure isn't a bad thing. In my books, failure doesn't really exist because a letter or number on a piece of paper will not define you for the rest of your life and if parents understood that more, children would feel less pressured to succeed or break out of what is seen as a 'dignified profession'. But that's a whole different can of worms.

A piano was passed down to me when I was 11 years old and I started taking lessons but I didn't really like it. So I played if and when I wanted. And I played. A lot. Little did I know it would end up being my career. Let alone getting a Masters degree to then teach it forward. The teachers that I had when I was in school/college, were not only brilliant in their knowledge of their chosen field but

were also brilliant in their knowledge of life and that comes from going through life having your own experiences. People often asked me what I wanted to do in life. My response was always "I want to make a difference".

I've been on stage all my life. Weather it was a side character or the lead in a school play. The stage is where I've always felt like myself. Before I ever went to study, Music and Drama was always a hobby and then I did Grease the Musical in Pakistan and played Frenchy. I think that was really the moment I realised that is what I should be doing.

I bring to the table, knowledge of my craft, enthusiasm, a disciplined work ethic, a can-do attitude, motivation to teach and never being afraid to learn from my peers and colleagues. In my gap years, before going off to University, I taught and directed 7-11 graders, 2 very entertaining plays; Rumours by Neil Simmons and The Pink Panther. And I remember being

back stage with the kids giving them a pep talk before the show and one of the younger kids came up to me privately before the show and said "Miss Almitra, could you please come back every year and teach us because this has been one of the happiest moments of my life."

And THAT was the exact moment I knew I wanted to eventually teach.

What even is success? Everyone has a different definition. Some people see fame as success. Me? I just want to be happy doing what I love. It's not about the money, it never has been. When you're a creative, you get used to the broke artist life anyway. Would I trade



it in for anything else? Absolutely not! I was always seen as the eccentric 'artsy-fartsy' type. They call them 'life-lessons' for a reason. Rejection, failure, not being good enough are all things we face and feel at ATLEAST some point in our lives. For me, it was a different struggle all together. I often tell people that talent will only get you so far. I take my craft very seriously, and people call me crazy sometimes, but I call it passion and drive. I work hard at the things I want and I keep at them no matter the obstacles.

Coming to the heart of things, I wrote my first set of lyrics when I was 8 years old. I was self-taught for most of my life and did musicals and plays (mostly the cooky characters on stage because of my stage presence and goofiness) till I finally studied a Bachelor in Music (Music Theatre) where I finally learned how much I love this field.

8-year-old Almitra never imagined she'd travel to countries to write shows and compose for musicals and be an advocate for causes that are very dear to her heart. So, here's my story. I wrote a musical that aims to spread awareness and comfort to epileptics, as well as educate audiences about further illnesses that many suffer, but are not visible at all. This musical is extremely personal to me and is inspired by true life events. Epilepsy is one of the world's leading neurological disorders and not discussed nearly as enough as it should be. 30% of people who suffer from epilepsy, do not respond to medication. Epilepsy is not often addressed and highly misunderstood. Epilepsy, not only affects the sufferer but everyone around them. As a performer who suffers from this condition, I not only put myself at risk every day, but also people around me. Unfortunately, it is just something I have to live with, as I'm aware a lot of others have to as well. However, never have I let this condition stop me from doing what I love as I continue to fight it every day.

I am also currently writing a one-woman Cabaret called 'Blacklisted', about to hit Sydney stages in 2022. This story is about borders and belonging. When I originally wrote the show, it was an angst-y hate letter to immigration, Canada specifically, because of my visa rejections from that country. But the show, I realize now, is so much more than that. The journey of moving through and developing this piece has made me realize things about myself and show. The show is about the displacement of home. Although, autobiographical, the show shares universal themes of racial profiling, immigration and a deep rooted history. There's something in the story that is so different but somehow, universally relevant.

The show is important to me because, although there seems to be a massive divide between cultures, I'm here to say there really shouldn't be.

Music and theatre have the power to make serious and uncomfortable topics light-hearted and acceptable and also opens up the discussions that are much needed in this world and create more consciousness around issues. Dear readers, there are going to be



obstacles, but everyone follows their journey, exactly as it's written, and you will overcome your fears by diving in, head first. If I was to go back in time and tell younger me anything, it would be to do it all over again.

Almitra is a Sydney based Performing Artist/ Writer/ Composer. Originally from Karachi, Pakistan, Almitra has graduated from the Australian Institute of Music with a Bachelor in Music (Music Theatre). She has not only worked as a performer in Sydney, but also in Pakistan where she started her theater journey. After her completion of High school in Pakistan, she did a Production of Ira Levin's Death Trap (Helga Ten Dorp-Psychic). In 2013 she was affiliated with Nida Butt's musical, 'Grease' where she played the role of 'Frenchie'.

She then left to study Special Effects Make-up in 2015 which furthered her knowledge about theater and film. In 2016 she returned home to Direct/ Produce her first ever Music Video from Concept to execution. The music and lyrics were composed and written by her. After graduating from AIM, Almitra appeared in Willoughby Theater Company's 'Fiddler on the Roof' (Ensemble). She is currently the Head Composer for a New Musical Theatre Work (Breaths In-Between) and developing her own musical with Hope. New Works in Australia.

Almitra was 8 years old when she wrote her first set of lyrics. Almitra hopes, that the stories she writes will stay with you for a long time to come.

A TALE OF TWO ARILS

Niloufer Mavalvala



Pomegranates are a beautiful fruit, with shiny red “jewels” called arils inside, containing sweet, juicy nectar that surrounds a white seed in the middle



A star is born every day – patiently awaiting to seek an opportunity, to spot the right place and time. And so, begins our story. As parents our community is well-known to dream for their children, often living their own wishes through this channel. Everyone wishes for them to be successful – our definition is to produce a doctor, accountant or perhaps a lawyer. Everything else seems to give others the impression of taking second place. Emphasis on academia, the sciences and fields associated with being a good student take precedence over the arts and creativity. Its how society has molded our thinking. How we place these academic stars on a pedestal greater than the dancers, musicians, chefs and designers.

With the turn of the century, we have observed change. The influence of the West showcases the acceptance of trades in a new light. We have embraced Shiamak Daver as our own. Zubin Mehta as a prominent star and Freddy Mercury is one of ours with fierce pride. We give some credit to culture, heritage and tradition through our food and textile. We are certainly proud of our Dhan-sak and garas. I share the journey of one such success story hoping it softens the hearts and minds of parents to encourage their children to follow their dream and pursue a journey of choice. Chatting with a happy and soft spoken Ashdeen Lilaowala – his name and label is as unusual as is his choice of career. Hard work, passion and vision have now put this young man into the driving seat and reach out to the stars. To dream big and embrace the challenges on his journey – the perfect formula to be successful. Ashdeen was fortunate enough to be born to a forward-thinking accepting set of parents. Growing up he had chosen to become a doctor. Sub-consciously molded in a society and culture that puts enormous emphasis on such career paths. As he watched his sister Dilzeen pursue her dreams in fashion design he found himself interested in her projects. At the young age of 16 he made a bold decision to have an honest talk with his parents Shernaz and Zubin, explaining that while he was quite certain becoming a doctor was not for him, he was most unsure of what he did want to pursue. Instead of trying to persuade him and brushing it away as a fad or momentary cold feet, they were pro-active in finding him counselling from folks who they knew were successful in the arts. The timing was perfect, as the prestigious National Institute of Design (NID) in Ahmedabad, India was accepting applications for their new semester. Ashdeen was accepted, and as they say, the rest was history. Here he was introduced to 3 main streams of design: Industrial – furniture, ceramics and products; Visual – graphics, photography and animation as well as information communication; and finally, Textile – embroidery, weaving and printing, introducing him to the magic of colour-coordination in design, and inculcating a lifelong appreciation for the palate of colour. This first year at NID confirmed his passion for textile design and Ashdeen pursued his dream by starting with Rhoda Textiles in Mumbai upon graduation. Here, he oversaw designing for the

international market. To expand his horizons he moved to Delhi, where he took on 2 jobs. He joined a company where he designed casual wear with Indian crafting. The other job, at ParZor Foundation, a Zoroastrian group set up to record and revive our community through art and culture, brought him experience in a field which he has now embraced as his own. ParZor was busy documenting old Parsi embroidery on gara saris, jhablas and earrings through centers in Navsari, Mumbai, Ahmedabad and Delhi. This was an opportunity to learn the fine details of this unique art form, which is centuries old. Sharing a wealth of knowledge with others interested in pursuing this tradition, heritage and culture, this experience at ParZor reinforced Ashdeen’s dream to pursue his passion, unknowingly opening many avenues to success.

By 2007, he was running a studio in Delhi for a company based in Los Angeles. Baracci, a label sold on Rodeo Drive, outsourced their beautiful lacy creations from a young artist across the globe, putting him in charge of ballgowns for the celebrities. With magnificent craftsmen available to him, Ashdeen took the opportunity to try his hand on designing, creating and making his designer gara saris for friends.

Soon after, Ashdeen had taken his life career decision – he wanted to start a brand name, recreating centuries old embroidery, not wanting to replicate but instead to add to this glorious historic art form. Ashdeen envisioned creating textile pieces that not only left a mark of his personal creativity but also dived right into the 21st century, all while embracing the essence of this magnificent tradition, keeping our heritage and culture relevant in the present, and taking it far into the future.

Bravo!!



Ashdeen Lilaowala is an award-winning textile designer, author and curator. He created his eponymous label in October 2012. While his workshop with 150 craftsmen and flagship store is in Delhi he travels across the country to showcase his work. His time with ParZor has taken him across China and Iran. Featured in several fashion publications he is proud to have dressed many a celebrity. You can order his specialized hand embroidered saris inspired by the ancient Parsi Garas and his book, The Threads of Continuity – The Zoroastrian Craft of Kusti Weaving.

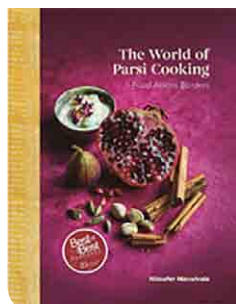
www.ashdeen.com or contact him at +91 9999388442

He will also be exhibiting at the World Zoroastrian Congress in July 2022 to be held in New York City.



THE WORLD OF PARSI COOKING

Niloufers Kitchen



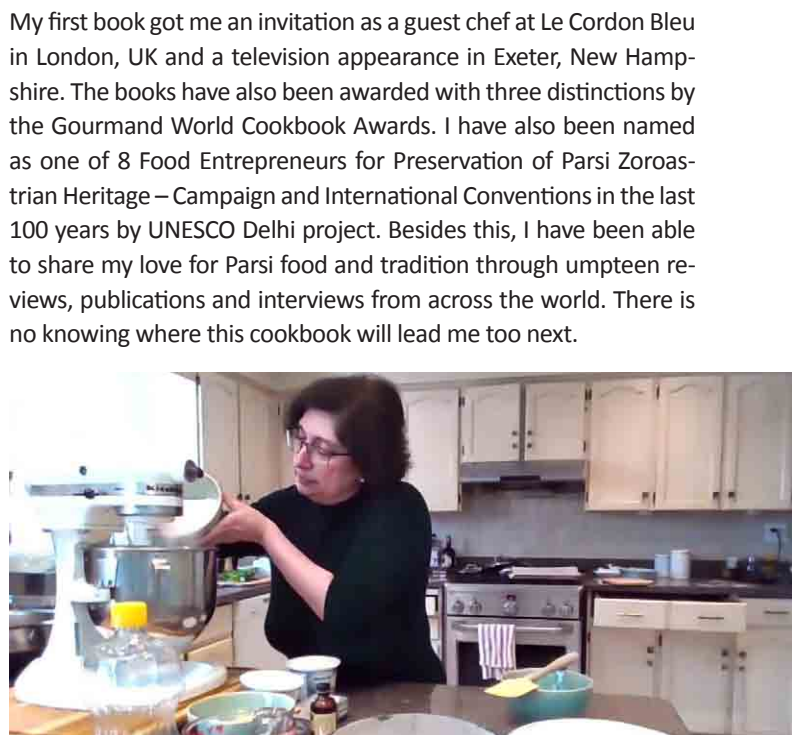
Baking and cooking from 8, I grew up in a family that relished and cherished good food. Each meal was thoughtfully created in my mother's kitchen, a perfectionist and chef in her own right. My father was keen to see my culinary skills continue and I recall a day when he offered to tempt me with my own stand-up mixer! While I declined, it was not much later that I started enjoying baking cakes for my friends, celebrating their milestone birthdays. To my joy, it seemed people enjoyed my home-baked, unprofessional looking cakes to others! At 17 I organized my first cooking class for ten 8-year-old enthusiastic kiddies, teaching crepes. Few years later, while visiting friends and family studying abroad in the UK and USA, including my future husband, I would often cook traditional Parsi food which they yearned for but were too lazy to prepare. All of this continued to build on my culinary passion.

Through the years, I continued to bake and cater social events and dinner parties and share my knowledge through cooking and baking classes in Dubai and Toronto. There was hardly a day when I would not get a query from a friend asking my help on preparing a dish. This encouraged me to start a blog. It took off very well and is now approaching its millionth hit! I find it therapeutic to share my recipes and stories behind them and take great comfort when someone is kind enough to share their experience of cooking one of my recipes. My mum often shared her thoughts on writing a cookbook, as she had penned many volumes by hand over the years. And although she herself was unable to, it seemed a natural progression for me to embark on this journey when the opportunity presented itself in 2015.

While my first book was an opportunity grabbed through a tweet, it soon made me realise the extent to which one needed to take one's

destiny into their own hands. I had a vision of what my book should look like – the publisher had misread mine. It was in that instant I took the decision to prepare yet another cookbook doing it my way. Embarking on my new project by learning food photography for myself, the second book has been self published. Sharing my family's treasure trove of recipes; tried, tested and praised over the past two hundred years. I have written this book with the hope that it will be timeless and used in perpetuity, as it is a promise to promote and entice not only our own children and grandchildren but to share it with everyone interested in food, with the importance of preserving what continues to be a core part of our very existence. I strongly believe that although we may be identified by race, religion and colour, we share the tightest bonding through food. As I embark on a mentorship program to honour and continue my parents' memory, it is an exciting time as I prepare for a reprint of the second and a 3rd book aimed for 2023.

My first book got me an invitation as a guest chef at Le Cordon Bleu in London, UK and a television appearance in Exeter, New Hampshire. The books have also been awarded with three distinctions by the Gourmand World Cookbook Awards. I have also been named as one of 8 Food Entrepreneurs for Preservation of Parsi Zoroastrian Heritage – Campaign and International Conventions in the last 100 years by UNESCO Delhi project. Besides this, I have been able to share my love for Parsi food and tradition through umpteen reviews, publications and interviews from across the world. There is no knowing where this cookbook will lead me too next.



Instagram NiloufersKitchen and FB
www.NiloufersKitchen.com
 Link to the cookbook <http://bit.ly/NKWorld>

DEAR READER



My passion for Storytelling started with my grandmother's folklore tales on Tehran's Urban rooftops, With 'Yeki bood, Yeki Nabood'. Where I counted the stars and dreamt away to a land full of Fairies, Deeves, bachelor Princes in search of their future queens, kindness, evilness, wisdom, magic and mystery.

My fascination in Literature continued with my parent's sliding book cabinet at the age of Nine. When Meme babysat, she would usually fall asleep next to my brother, while tucking him in and that's when I ceased the opportunity to attack the bookshelf and read 'Sadegh Hedayat, Samad Behrangi' 'Mahmood Dolatabadi' and be mesmerised by their genius way of writing.

My favourite remained to be; 'Daastaan e Javid' by Esmail Fasih. When my mum caught me, for having found 'Boof e Koor' upside down in her shelf, she gave me a long lecture about how these books aren't for children and how depressing they can be etc.

By the time we left Iran, I had read all the books in her library.

My mother, brother and I left Iran at the heights of the Iran-Iraq war in February 1985 to make a new home in Sweden. When we left our home, grandparents, our Zoroastrian community with such anguish and heartache, I sought comfort in reading other's journeys of life, in their writing/stories.

My father joined us in 1986, which indicated loss of any hope of returning to the motherland. Together, we made striving effort to fit and integrate in the Swedish community by learning the language, culture and system.

From early on, I was eager to learn Swedish. I couldn't wait to start reading the Swedish literature 'Astrid Lindgren, Selma Lagerlof' followed by the English literature 'Jane Austen, Emily Brontë' and start writing,

I won my first writing award at the age 14 in Sweden. It attracted broad attention for our small city of Uppsala with media being involved. When my writing was encouraged and labelled as powerful, by the Swedish community, I became motivated to embrace it and improve what all seem to believe was my 'gift'!

Leaving my home once again in 1998 after my marriage, in search of a job for my husband's profession, meant that we made a new home in London, UK, which at the time was part of the European Union.

I continued with my passion and wrote for Psychotherapy journals such 'International Psychotherapy Journal', 'The Psychotherapist', 'Therapy Today' etc. My articles were welcome and published in various issues, mentored by Dr. Josephine Klein.

When I became pregnant with my daughter Maya, I suffered from

morning sickness which continued throughout the day. Eight weeks into the pregnancy, I decided to seek comfort and healing distraction in writing which I had always considered it to be my comfort zone.

I longed for my mother who by then had passed away, I longed for my grandmother's tales on the rooftop while looking at Tehran's sky underneath the brightest stars, I longed for my Khale Shirin's heavenly Ghormeh Sabzi, I longed for my meme's Yazdi Shooli and... my parent's inbuilt hidden book cabinet, all smelling of my childhood.

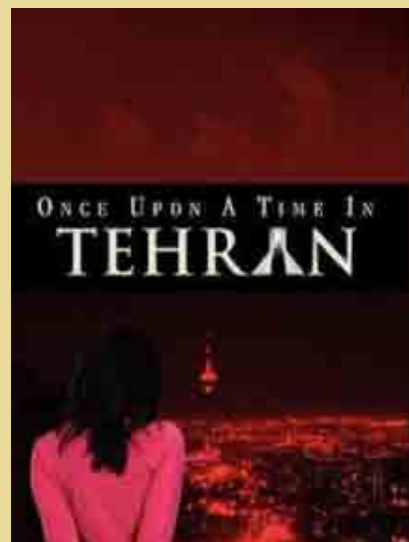
I decided to write and be close to the memories and keep them alive, especially my grandmother's tales for my daughter, for my mother's other grandchildren and for those who like to learn about life through tales.

Dr. Josephine Klein read the first 60 pages and encouraged me to submit it for publication.

This was the start to 'Once Upon Time in Tehran'. It got such attention that I was asked to write a Sequence which is leading to 'Once Upon a Time in Uppsala'.

I am hoping to inspire you to follow your dream by reading my story as I followed mine despite the challenges that I faced, making three different homelands.

No one can visualise your vision, your dreams, aim and passion better than you. I learned from experience, that the creativity that comes from within is too powerful to silence. Embrace it by giving it a voice, room, space where it can develop, expand and grow. Only you and solely you can do this with your inner voice of approval and empowerment.



Shirin Amani Azari

My name is Shirin Amani Azari and I live in Bickley, Kent, with my husband, my 12-year-old daughter Maya and our joyful puppy Cookie.

I offered my services to Frontline 19, working with doctors and nurses in ITU and ICU, last December. The challenges that we had to face with Frontline 19 made me want to write this article about the work and service that we provide.

Since 2000, I have been working with victims of torture at a Refugee Support centre, a Refugee Therapy Centre and at the Mapesbury Clinic for People in Exile.

I have run groups for Farsi-speaking women at the Refugee Therapy Centre who had been victims of torture, and the same for Farsi-speaking male victims of torture at the Mapesbury Clinic. I worked as the clinical manager there until two weeks before my daughter was born.

Familiarising myself with the work load of Medical Justice, I decided to run my own campaign within PCSR (Psychotherapists and Counsellors for Social Responsibility) to raise awareness for asylum seekers who are being detained in horrific circumstances at detention centres. We focused particularly on children who were being separated from their mothers.

I currently work as a supervisor in East London, overlooking the therapists' work with young people (linked to CAMHS). I also work closely with BACP for the student's case studies, report writings, offering lectures, etc.

ANIMATION ARTIST

I'm Shideh Ghandeharizadeh, a Zoroastrian, born and raised in Los Angeles. I have a passion for illustration and animation and am currently a freelancer.

Ever since I was a little kid, I loved drawing. I doodled in my free-time, in my classes, and on the walls (my parents had to repaint them a few times). But I was never serious about it. It was just something fun to do. During high school I was a little aimless. I worked hard and pursued a lot of extracurriculars, but more because I thought I had to do it, not because I wanted to. I wouldn't pinpoint what I wanted to pursue until I started applying to universities in my senior year.

There wasn't just one thing that pushed me into pursuing animation. Growing up in Los Angeles, I was surrounded by it. Many of the parents at my high school worked in animation, we had a paper animation elective class, and my campus was only a mile away from Sony Animation's studios. So, when I thought about what major I actually wanted to study rather than a major I thought would make me money - animation was the natural choice. I drew a lot and what is animation but a lot of drawings put together to move.

I applied to USC, but didn't get into the cinema school immediately. It took another year of elective art classes and working on my portfolio, before I transferred into the animation major at the animation school in my second year.

The major 'animation' is actually pretty vague. Someone who studied animation at college could be a technical artist in VR, or an editorial illustrator, or (the most obvious) an animator at Pixar. Nowadays with 3D, not every animator needs to draw. And so while there were some fundamentals, like how to make something move, a big part of my program focused on helping us find our niche.

In my third year I discovered animation for advertising also known as motion graphics. I got a small gig making animations for Ticketmaster and NFL. Unlike movies and television animation, the turnarounds are much quicker, so you get to work in lots of different styles and your projects are always changing. It really appealed to me because I like drawing in a lot of different styles.

The skills of that field also transferred seamlessly into my other niche -- editorial illustration. Editorial illustration refers to illustrations



that accompany articles in newspapers and magazines. I have a lot of experience in this field -- having illustrated for my school paper in all five years of college.

Both of those fields have really short projects and so most people who work in those fields are freelancers. They also have to carve out different niches so they can switch the types of projects they're working on when they need to. I also specialize in character design and color design all of these skills under the broad umbrella of working in the animation pipeline.

Right now, I work as a contract illustrator at a digital publisher. I illustrate pieces for their articles. Everything is remote and I manage my own time, so I have the flexibility to freelance and do other motion graphics and illustrations gigs as well as personal projects in my downtime.

I'm just starting out, but I've already gotten to do some fun projects with big names. This last summer I got to do a series of plant-themed wallpapers for The LA Times.

Maybe it's too broad but honestly my dream is to do a little of everything. I'd really love to be an art director in either motion graphics or editorial illustration. I also want to be published in the NYTimes. And being an independent artist who draws comics and makes money through their personal films would be amazing, although that's definitely far away right now.

My favorite thing about my field are the people I work with. Everyone who works in animation is open-minded and really passionate about what they do. We also understand each other's struggles. Turning your passion into your career can be very daunting. You take something that used to be a pastime and a place to relax and make it your main pressure, and you have trouble finding something new as an outlet. I draw for work. I draw in my free time. I draw for fun. That takes a toll. But everyone I work with understands that and commiserates because they're going through that too. Everyone started out as a kid who liked to doodle.



TARA JAM: A STAR IS BORN

A multi-instrumentalist, singer, songwriter, director, and photographer, Tara Jam launched her music career with her debut single, "Motion Sickness" in 2020, garnering over 500,000 views on YouTube. Like the meaning of her name, Tara is set to become a "star".

Farishta Murzban Dinshaw recently interviewed her in Toronto for ChehreNama.

Please tell ChehreNama a little about yourself?

My name is Tara Jam and I am a 23-year-old Persian Zoroastrian singer, songwriter, instrumentalist and producer from Toronto. I began releasing music just last year, and so far have dropped five singles along with four music videos and a 3D visualizer, which are all up on my YouTube channel. I began singing at the age of four to my Baba's records with my two beautiful sisters. I have been serious about music since the age of six when I enrolled in the conservatory of music for opera, so music is truly a passion that I am wholeheartedly pursuing.

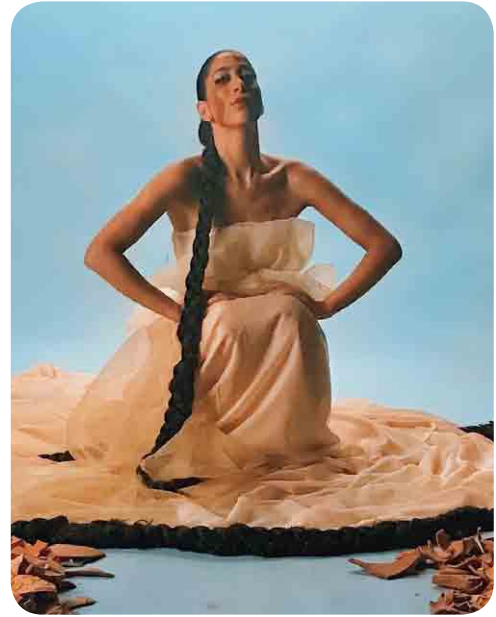


What made you decide to pursue a career in entertainment?

I decided to pursue a career within the music industry because there is no other passion that I would want to dedicate myself to. I want to share meditation through sound, and provide a safe space for listeners. My family has had a massive influence on me musically; when I

was younger, we would hold charity concerts in community centres and halls to raise funds and awareness for different causes ranging from malaria nets to school supplies for children in Sierra Leone. With my sound I hope to receive a large enough platform to aid the more vulnerable population; specifically tackling the homelessness issue in Toronto first. I am a third-generational musical talent - my grandmother would sing at the Dar e Mehr for Zoroastrian events, and my father, Bahram Jam, would organize and write children songs and

scripts to perform while my grandfather Jamshid Jam would help organize the events. Since he used to be in a band, his passions inspired me to pursue music as well. Although the industry thus far has been completely different to what I expected, I am grateful to be surrounded by engineers and producers who have worked with accomplished artists in the music scene to further help guide my vision in the direction I seek. I was actually in university studying in a program called the Creative Industries, but decided to study it on my own terms.



What kind of singer would you classify yourself as?

This is a tough question, only because whenever I ask those I'm working with to classify my genre they always have trouble doing so. I enjoy creating versatility with my sound, so it is inspired by many diverse genres; alternative, dark pop, dream pop, lo-fi with hues of trap, and acoustic. I have had songs where I sampled myself playing the harp, some with hard hitting drums, ones where I turn my own voice into the melody, and some with solely my voice and the piano. I wouldn't want to limit my sound, so classifying myself will be much easier when my roster of songs grows. I love to explore singing in the languages I am fluent in, both Farsi and French and will continue to do so. You can find a video of me singing the well-known Farsi song 'Mara Beboos' on my Youtube channel.. My sixth single will be releasing in a few weeks, and I'm more than thrilled to be able to share it with the world!

What has been the best performance of your career so far?

Because of the current pandemic climate, I have only had one live performance. Although it was in a setting filled with other wonderful Toronto creatives, I do have a few upcoming shows that I am excited to share. My favourite recorded performance though would have to be MoonChild, a love song I wrote about the moon. In this song, I sampled one of the six instruments I play - the harp. I then wrote a storyboard and sent it

off to an animation studio called Zozrus and they helped bring my vision to life. The official animé music video is on my official YouTube channel, and there is definitely a surprise ending. I also have a love for my simplistic tracks that consist solely of my vocals and live instruments. The one I have out is called Daily Dose and it is about repeated destructive behaviours. I play the piano on it, and it's one that can be perceived differently depending on the approach of the listener. That's what I hope to achieve with my music, a relation to the lyrics that don't leave someone wanting to escape, but wanting to be heard no matter the circumstance.

What do you love most about being a singer? What are the challenges?

Perception is one thing that can either be chaotic or easily controlled, and for me, being an artist is about being immersed in my element while accepting both states. The lows of being an artist are equally as vital as the highs in terms of self-growth and reflection. One low is never being satisfied; we are all our own worst critics. The finished creation will always be a high; knowing that you created something beautiful that arose from the heart. I love being in the studio, and there is no other place I'd want to be. I am most proud of the fact that I even released music in the first place. I like to celebrate and remember the start of it all, what I will always look back upon, the start of my journey towards releasing my art. Sure being on the radio, receiving magazine publications and being placed on editorial Spotify playlists are all exciting moments, but there is something special about taking the first step towards being vulnerable enough to share personal creations. 'Motion Sickness' was my first single, and I'm grateful to be able to look back on it and appreciate my personal growth.

What advice would you give other young people who would like to follow this career path?

Something I would suggest, especially to my fellow Zoroastrian youth who are interested in pursuing a career in the arts, is to let your soul guide you. I am privileged enough to come from a family that loves and supports my aspirations. To those who feel stuck on what to pursue, sit in the feeling of what brings you joy and manifest the presence you want to carry. Success is subjective so I believe that all steps of being an artist should be celebrated. From writing your first lyrics, to recording your first song - every stride should be appreciated, for creation is not about the final product, but the journey. Your aspirations are entirely your own, and if anyone tells you otherwise, it is merely a projection of their beliefs. Someone else's perceived success shouldn't have an impact on whatever stage in life you are currently in. Meditate daily on what you want from the universe, and let it guide you.

What's next for you?

My next single called 'BR*K3N TELEPHONE' will be releasing in a few weeks! The concept arose from the children's game broken telephone, where a message is whispered into a player's ear and slowly distorted as it is passed on. I recorded this song with my engineer at Universal Studios, and am excited to release it on all streaming platforms. What's next for me is to continue to share my art with the world, and to help those around me do the same.

I will also continue to practice good thoughts, good words, and good deeds, along with a saying my grandfather Jamshid Jam always repeated: "Don't worry, be happy". Life is too short to worry about judgement, and I am grateful to receive love and support from my community. I am a proud Zoroastrian, and will carry my heritage along with me through every step of my career.

If you would like to hear Tara's performances, please find her on Spotify, follow her on YouTube, or visit her website, www.tarajam.com.



The 2021 Essay Contest with the title “What do you consider the most important element in a happy family? Why? How does it relate to the teachings of Zarathushtra in the Gathas?” for ages 11-14 received entries testament to the youth’s understanding of the Gathas. The first, second and third place essays are featured in this issue of the Chehreh Nama Magazine for your enjoyment.

Looking forward to the 2022 Essay Contest designed for ages 14-18 with the topic “According to the Gathas can one be a Zoroastrian without a belief in God? Please visit www.czc.org/contest for the contest guidelines, information about God in the Gathas, and the contest rubric starting September 1, 2021 with a contest deadline of January 15, 2022. Please email your questions to zessayentry@yahoo.com.

2021 Essay Contest:

First Place: Ms. Natasha Dungor from Spring, Texas

Second Place: Mr. Zeyus Spenta from Vancouver, Canada

Third Place: Mr. Arshaun Oshideri from Aliso Viejo, California

2021 Essay Contest- First Place

Natasha N. Dungor from Spring, Texas

RELEVANCE OF THE GATHAS IN MODERN FAMILY LIFE

Natasha Dungor

Honesty, trust, and mutual respect for each other are the most important elements in creating Happy Families. These values are very well articulated in the Gathas, which apart from being just a religious text, is a philosophy on how to live a moral, enriching, and fulfilling life.

Written many centuries ago, Zarathushtra’s teachings were designed into songs that hold meaning to this day. Each verse is still relevant and true to the ever-changing world. The Gathas, also known as the “Songs of Zarathushtra”, guide us on how to lead a stable and prosperous life in day-to-day living. In total, there are 5 Gathas: Ahunavad, Ushtavad, Spentomard, Vohukshtra, and Vahishtoish; each one representing a different interpretation and lesson.

In Ha-28.1, Zarathushtra thanks Ahura Mazda “Grant that I perform all actions in harmony with righteousness (your divine law),

and acquire the wisdom of the good mind (Vohu Mana) so that I may bring happiness to the universe.” The concept of freedom of choice was given to the world and our community many years ago; it’s not as “modern” as several people think. Zarathushtra recommends “hear the best (truth) with your ears and decide by your pure mind. Let everyone judge for his own self and find out what to do. Let all wake up to this my counsel.” (Ha-30.2). Zarathushtra doesn’t spoon-feed us what is right and/or wrong, or what we should do; that’s why we should use our Vohu Mana (Good Mind). Agreed, that we are given the freedom to choose and make our own decisions, but bear the consequences that come with the outcome of the decision. It’s your responsibility to choose after using your good mind to ensure you’re making the right judgment.

In the Ushtavaiti Gatha, Yasna 43 Verse 1, he declares: “Ushtaa

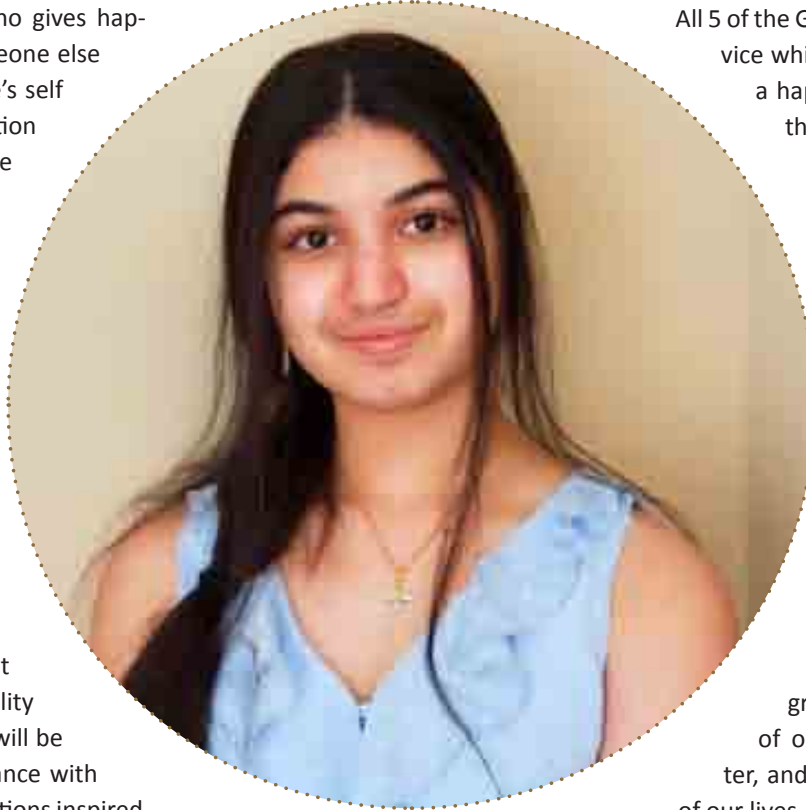
Ahmaai Ýahmaai Ushtaa Kahmaaichît!". It translates to "Happiness to him who gives happiness to others". Making someone else happy brings happiness to one's self as well. It delivers the satisfaction to our conscience that we have done well to help others who are, or might be, in need.

Our 3 tenets are very widely known by Zarathushtis young and old. They are Manashni (Good Thoughts), Gavashni (Good Words), and Kunashni (Good Deeds). These principles originated from the 3rd Gatha which is the Spentomard (Spenta Armaiti) Gatha. In HA 47 Stanza 2, Zarathushtra states that "Through the holiest mentality (Spenta Mainyu), the best life will be for one who speaks in accordance with good thoughts and performs actions inspired by Ahura Mazda". Through this, he teaches us to think good thoughts, say good words, and do good deeds.

By following these teachings, we discover that right-thinking receives the gift of integrity and righteousness.

"For my objectives, give me moral courage through good thoughts to accomplish them...Whoever renders himself better than good and fulfills life's destiny, gains through moral courage". The Vohu Khshathra Gatha addresses self-control and moral courage. Self-control and moral courage are characteristics everyone should possess. It also promotes security, harmony, and happiness to society.

Last, but not least, the Vahishtoisht Gatha. In the first half of the Gatha, he appreciates Ahura Mazda for fulfilling his wish. His message was believed by those who had opposed him beforehand. During the second half, Zarathushtra advises couples who are going into the phase of marriage. He stated, "I speak these words to maidens and young men uniting in marriage and appeal to you to bear in mind, understand in your inner selves, constantly practice the love of good thoughts". He is giving guidance to marrying couples that they need to have understanding and love when interacting with each other with good thoughts,



words, and deeds.

All 5 of the Gathas give us important advice which all contribute equally to a happy family. A balance of all the teachings is meaningful in life, and one isn't over the other. Even without one, the balance will be uneven. A happy family is built with a strong foundation, a foundation that consists of all these guiding principles. Agreed that they were written many many years ago, but they still hold true and of great value to this day. When we learn these values as we grow up, they become a part of our personality and character, and we hold them for the rest of our lives. They also affect how we interact with others and our behavior toward

them. Values like honesty, selflessness, trust, open communication, positivity, supporting one another during difficult times, and working unitedly towards a better more prosperous tomorrow are all values that start with the basic family unit and can then be expounded towards a community and beyond. The philosophy of the Gathas is both practical and evergreen. It provides a roadmap and a moral compass to its followers rather than blind adherence to rules and regulations like other modern-day religions. It truly inspires and guides us towards the path of Frashokereti.

Biography:

Natasha N Dungor, Age 14 is an 8th grader at Strack Intermediate School in Spring, TX. She has been an active participant in the Houston Zarthush-ti community since childhood and is currently the President of its Middle Group. Natasha shares a deep passion for the Zoroastrian community, religion, culture and its history. She is interested in medicine as a future career.

THE MOST IMPORTANT ELEMENT OF A HAPPY FAMILY IN RELATION TO THE GATHAS

2021 Essay Entry #10
Zeyus Spenta- Second Place
Vancouver, Canada



“Family is a life jacket in the stormy sea of life” - J.K Rowling. Family is an unwavering steadying force to raise you up in your darkest hour, cheer you on as you reach the pinnacle of your potential, and celebrate your triumphs. Those in a happy and contented household are interlocked together via an unbreakable bond, that is most intricate and elaborate.

According to the esteemed Gathas, a book of hymns penned by Zarathustra, our family guides us along the path of righteousness, helping “us to use our Vohu Mana, our mental and moral compass, to make our decisions in life.” The venerated Zarathustra also speaks of family being the smallest unit of a world which uses the mantra of Humata, Hukhta, Huvarshta (Good thoughts, good words, good deeds) to guide us through our everyday lives.

In the Gathas, Zarathustra speaks of vital elements that make up a happy family. Amongst them are being righteous, truthful, loving, and using good thoughts, good words, and good deeds. In my opinion, the one single quality that covers all the above elements is undying and perpetual love. This word encompasses a diverse fusion of qualities that all complement one another.

With love for your family members, you will indulge in all the philosophies and doctrines that Zarathustra outlines. This includes respecting them, telling them the truth, speaking good words, thinking good thoughts, and completing good deeds for them. These things are key to having a gratified family where everyone feels cherished, valued, and accepted.

Here is how each of these elements can make for a happy family.

Good thoughts: It is vital to have good thoughts, as all of our actions and words are a product of what goes on in our mind. If you believe in negative thoughts, they will creep into a corner of your mind and poison your thought process, and as Leo Tolstoy once said, “All happy families

are alike; each unhappy family is unhappy in its own way.” Using your Vohu Mana to make decisions is key.

Good Words: When speaking good words, we make our family feel valued, content, loved, and respected. A vital component of speaking good words is making sure that they are truthful and are not guided by falsehoods or woven with lies. Zarathustra mentions this in the Gathas, saying “No happiness can be yours if the spirit of Falsehood directs your lives. Cast off from yourselves the bonds that chain you to Untruth.” If lies are rampant in a household, then a family can never achieve bliss and happiness. A family should discourage the wrong, while boosting the right sky high and encourage being courageous and owning up to your mistakes.

Good deeds: Every good deed we complete fills a drop of the bucket of happiness and inspires others to pay it forward. When we complete a good deed, we assist one another in growing and prospering to become better human beings.

Righteousness: “Let each cherish the other with Righteousness. Then surely the reward of a happy life shall be yours” (Yasna 53.5). According to the erudite and judicious Zarathustra, we must live a life in accordance with what we think is part of the path of righteousness laid out in the Gathas. An example of this occurs in the Gathas, when Zarathustra advises his daughter to pick a spouse who “will not sway from using his good mind (Vohu Mana) and...is united with righteousness and the Wise One.” This is crucial, as having decency and integrity leads “to a state of serenity and happiness.” Integrity and rectitude exemplify the meaning of Good Thoughts, Good Words, and Good Deeds, and all that the Mazda Yasni religion stands for. Also, doing the right thing and being someone “who gives happiness to others without discrimination whatsoever -Song 8.1.” is extremely important.

In conclusion, the most important element in a happy family is everlasting and eternal love. Using the word love as a guiding light helps to fulfill Zarathustra’s dream of a world where “all the units home, town, state, country, and world should be united and bound together by love and wisdom” in songs 4.16, 18, 5.1, 6.3, 4 of the Gathas. The qualities that Zarathustra outlines in the Gathas assist us in being the most superior version of ourselves that we can possibly be. Let us use the power of love to unlock Ushta (everlasting, eternal, and radiant happiness) for our family, and spread this light towards every single person in this world.

Biography:

A Grade 8 student, Zeyus is an avid reader, artist, and loves learning about history. He enjoys being outdoors, playing badminton, and learning new songs on his piano. Zeyus takes pleasure in travelling, meeting new people, and sampling food from a diverse variety of cultures. He looks forward to the ZSBC Zoroastrian classes, which he finds to be a wonderful source of knowledge.

THE PROMINENT ELEMENT OF A HAPPY FAMILY

2021 Essay Entry #17
Arshaun Osheideri-
Third Place



There are times in which an individual may wonder, what makes a happy family? As it might be apparent, achieving a happy family is not an easy thing to do; however, it is possible to start looking for the elements that compose one. The most prominent component among any others is righteousness and the act of having it in every aspect of people's lives. Individuals willing to follow the path of righteousness will have a house of despair and sorrow turn to one of happiness and joy. The household will begin to conduct thoughtfulness, impartiality, and honesty directed to others in one's household. This point of view can be supported by Ashu Zarathushtra's statements in different parts of the Gatha.

In general, righteousness is encouraged, but it is also a key element for a happy family because it helps people become more considerate of the individuals around them; righteous people are empathetic and careful of others' emotions. Such as, two siblings that are mad at one another, would have to consider the emotion of the other, and not use foul language to hurt them. Instead, they should spare each other's feelings and communicate with kind words, like a righteous person would do. As declared by Ashu Zarathushtra, "These counsels do I give to you... let each cherish the other with Righteousness then surely the reward of a happy life shall be yours" (Yasna 53.5). This shows that Ashu Zarathushtra believed that treating each other with righteousness will cause one's household to live a happier life. In other words, a family in which everyone's feelings are being heard and respected will become more harmonic and joyous than a family that does not.

Righteousness is an expressive way to show and emphasize impartiality to all, regardless of their past actions or wrong-doings they have done. To illustrate the point, a child that has done wrong things in the past should not be less loved or treated inferiorly compared to a child that has no personal record of misconduct; consequently, if a child is less loved, they feel like they do not belong in the family and will construct a more inappropriate

behavior typed action to receive attention, no matter how negative. This will cause the family to drown in more complexity and be deprived of merriment. As remarked by Ashu Zarathushtra, "Enlightenment and happiness come to the person who gives happiness to others without discrimination..." (Yasna 43.1). As it can be seen by this statement, individuals will gain happiness if they perform righteous actions, such as love, without discrimination in mind; furthermore, the person to whom the performer directed the actions will become more joyous.

Righteousness strengthens the relationship within the individual family members as it increases the trust they have within one another. When there is righteousness going around in the family, then there is no falsehood between each other. On the other hand, if members of a family go around lying even once, they will be recognized as untrustworthy, so even if they say something close to the truth, or the truth, no one would believe them. Thus, the relationship between the family will weaken severely and suffer in a major way. According to Ashu Zarathushtra, "...No happiness can be yours if the spirit of Falsehood directs your lives. Cast off yourselves the bounds that chain you to Untruth" (Yasna 53.6). This particular quote shows the knowledge of Ashu Zarathushtra and his beliefs about falsehood and how it would lead one to sorrow. It also reveals a solution of following the truth that can be possible with righteousness. Hence, the entire family can ensure a happier life when they stride away from dishonesty.

Creating a happy family has many elements, one of which is righteousness; causing consideration, impartiality, and honesty. One result of being righteous is being more considerate of other people's feelings which would allow keeping the members of the families' emotions stable and ensuring their happiness. Being impartial is another key element of righteousness which prevents discrimination and will help the family members feel more connected and possess. Honesty also arrives from righteousness and in every conversation, will allow family bonds and, build trust to improve, which is quite significant. These ideas are based on Ashu Zarathushtra's own words. Altogether, these elements contribute to making a happy family.

Biography:

Currently, Arshaun is a 7th grader at Don Juan Avila Middle School, where he enjoys learning about his two favorite subjects, math, and science. Outside of school Arshaun partakes in volunteering through local organizations focused on climate change and food insecurity in the Orange County area. During this period of at-home learning, Arshaun has taken an interest in skateboarding and the arts, specifically growing his skill in computer animation. He is an enthusiastic learner of the history, language, and cultures of the past. Through his classes at the California Zoroastrian Center, he is taught about our Zoroastrian heritage and how to use profound ideas in his everyday life

MORE THAN JUST MARKETING- MEET THE 8WZYC MARKETING TEAM

The 8WZYC Marketing Subcommittee's main role will be to host fundraisers, social events and spread the word of our congress through social media and other channels to encourage a large number of participants from around the globe. Our social media pages will soon be launching to spread information for the upcoming Congress so stay tuned and keep your eyes peeled! However, our role will extend far beyond simply posting. We plan on organising plenty of social events and fundraisers: these will be held virtually for now, to encourage the global Zoroastrian community and get them excited for London 2023! Meet the members of our team...

ARIANA DOOMASIA

My name is Ariana, and I am the leader of the marketing subcommittee. Currently, I am in my final year studying English at Cambridge, focusing on my exams and graduating this summer. Ever since I heard the next Congress would be held in London, I knew this would be the perfect opportunity to get more involved with my community and make a lasting impact. For me, the marketing side seemed ideal for engaging with other Zoroastrians across the world, allowing for lots of creativity as well as fun. The main priority for our subcommittee, is to spread information and build excitement in the run up to our 2023 Congress. It has been a pleasure to bond with the wonderful members of my team so far and to hear everyone's ideas for launching our marketing campaign. Watch this space!

DELSHAD FOROUHAR

My name is Delshad and I graduated from The University of Sheffield in Architecture, and I am now working as a Part I Architectural Assistant back home in Suffolk. Growing up I was surrounded with the Zoroastrian culture, my grandfather being Mobed Ardeshir Forouhar, a very important role model to me and the London Zoroastrian community. In 2020 when the pandemic hit, it felt it was the right time to really learn more about who I am, where I'm from and to help others. Joining the marketing team has allowed me to meet amazing new people, and to join

with others creating ways to share our culture with the rest of the world. We hope to bring young Zoroastrians together in fun collaborative ways, and can't wait to share our events and more information about the Congress! See you soon in 2023!

ARSHAN DADREWALLA

I'm Arshan and I am currently in my final year of studying Medicine at King's College London. Having been part of the Northwest Zoroastrian Community in the UK and later on with the Young Zoroastrians in London, I have developed a strong sense of community within our religion whilst meeting fellow young Zoroastrians. Having never attended a congress before, I was excited to meet and join my subcommittee team to help develop and plan elements of the congress which I hope shall be a huge success in bringing Zoroastrians together, all whilst having a great time!

XERXES PANTHAKEE

My name is Xerxes, and I am one of the co-vice Chair's helping to organise the 8WZYC and attaché to the marketing committee. By trade I graduated as a Chemical Engineer, however now I am working as a Technical Business Analyst for a mid-sized bank in London. I have been a part of the Zoroastrian community here in London for as long as I can remember, but in recent years I decided to take a more active role in helping to grow and bonding with our youth community here in London. That being said, I have never been to a congress before, but am really excited to help organise what I, along with my fellow committee members, envision to be an unforgettable experience.

ARMAN BHAGWAGER

I'm Arman from Nagpur, India and have recently completed my masters from National University of Ireland, Galway where I am currently based. I now work as a sales rep in a tech start-up. From attending prayer classes and doing dance practice in the Nagpur Parsi dharamshala as a child to going to various youth events, the Zoroastrian culture has played a huge part in my life,



giving me a sense of community and direction. Being a part of the 8WZYC organising committee has given me a great opportunity to make some amazing Parsi friends in this part of the world. We hope to bring young Zoroastrians from around the world to come together to celebrate their religion, learn and collaborate.

DALIR YAZDANI

I am Dalir from Poland but with Persian roots and also having lived in South Africa, Greece and more. I came to the UK a few years ago in order to pursue a university degree and graduated less than a year ago. As my family worked for the embassy, we always moved a lot so I never really had the opportunity to be part of a specific Zoroastrian community, although I still had the chance to dwell on theological and historical texts as I come from a priestly family. Through participating in this congress, I hope I can change that, I hope to be able to experience the more social aspect of what it means to be a Zoroastrian and get connected with like-minded young Zoroastrians who also have one thing on their mind... how to serve the Zoroastrian community better by bringing everybody closer! It's an honour to be part of the team and I only hope that's just the beginning!

SHAZNEEN MUNSHI

My name is Shazneen Munshi and I work as a Policy and Communications Adviser to the CEO and Chairman of the Financial Ombudsman Service. As the youngest member on the Zoroas-

trian Trust Funds of Europe (ZTFE) Managing Committee, I have been running our monthly Extra Young Zoroastrian (XYZ) Fun Club religious education classes for children for the past seven years. My main passion in life is making a positive difference to our treasured Zoroastrian community by engaging and bringing together our youth. I am very excited to work together with our lovely team to promote what will be an amazing event, where we will create strong lasting global friendships, nurture worldwide communal initiatives and build on the future of our religion!

JESSICA MISTRY

My name is Jess and I graduated in Law and after a few years' experience I decided to transition into the world of Human Resources. I have always considered myself extremely fortunate to have been surrounded by our Zoroastrian roots and culture whilst growing up and visiting India during summer holidays and day trips to Udvada are some of my most fond memories whilst growing up. I was keen to volunteers after hearing that the Congress will be taking place so close to home. Whilst today, this has given us the opportunity of bringing together Zoroastrians from all over the world, it has also given me the opportunity to grow and connect with my fellow Zoroastrians, whom I am so thankful to have met. Although I have never been to a Congress before, I look forward to the next two years of preparing, welcoming and meeting you all at our 8th World Zoroastrian Congress!



PROGRESSING ZOROASTRIAN RELIGION IN THE DIGITAL AGE

JEHAN GANJIA
DIRECTOR, ZOROASTRIAN CULTURE SHOP

Zoroastrian Culture Shop is an online shop providing our religious products with door-to-door deliveries worldwide. We commenced on 16 August 2020 in Auckland, New Zealand with the Grace of Dadar Ahura Mazda. Our vision is to make the Zoroastrian religion stronger, moving forward. We got thinking about how Zoroastrian products can be more accessible for our wider global family. Our passion is to contribute towards Zoroastrian community.

Our commitment for the Zoroastrian religion and staying true to our identity is our inspiration. Zoroastrian Culture Shop believes in progressing our religion whilst remaining committed to our roots. The universe is constantly evolving with the digital age making it crucial for us to preserve Zoroastrianism.

There have been challenging times which the world has gone through with the Coronavirus pandemic. This motivated us to address strengthening the Zoroastrian faith whilst promoting positivity and solidarity.

Zoroastrian Culture Shop has focused on giving our global community members opportunities to show their capabilities. We acknowledge the efforts of all Zoroastrians who have contributed to us. Zubin Mistry from Engage Digital developed our website including the graphics. Shawn Lawyer has supported product launches. A special mention to people who are supporting our logistical arrangements to ensure worldwide accessibility is maintained. Zoroastrian Culture Shop encourages people to connect with us and show your ambitious innovation. We are passionate to collaborate with Zoroastrians to show our incredibly diverse abilities globally.

Our suppliers are trusted Zoroastrians who develop products according to our religious customs. Many of our suppliers' main source of income is from creating religious products. The art and craftsmanship of their work are gained from learnings passed from generation-to-generation.

Zoroastrian Culture Shop provides a range of products to keep the holy fire ignited. We started with two products being Sudrehs

and Kustis during our launch. We have over 30 products available online and will be adding more.

Zoroastrian Culture Shop has increased Social Media advertising efforts by posting on many Facebook pages. We appreciate the Admins of all Facebook pages enabling us to promote our products. Approval from Admin have increased public engagement levels.

Our efforts locally in New Zealand are being recognised. We are grateful to collaborate with New Zealand's largest Zoroastrian Association. There have been opportunities to display our products at Zoroastrian local events.

The below are some of Zoroastrian Culture Shop's important highlights:

Providing Zoroastrians with quality religious products to keep the holy fire ignited.

Investing in product development

Making a difference in the lives of people Marketing and promotions

Displaying our products at religious ceremonies

Monthly Check In's to indicate achievements and upcoming events.

There are possibilities currently being explored to develop the future direction of Zoroastrian Culture Shop. We are excited to have on-board services which enhance the well-being of our global community. Keep up with the latest information on Zoroastrian Culture Shop Social Media Handles and Blogs. Please subscribe with us.

Zoroastrian Culture Shop is grateful for all support and love received from everyone since our launch. Everyone involved with the Zoroastrian Culture Shop believes this is a unique opportunity to empower all Zoroastrians to follow the path of Ashoi (righteousness).

Thank you to the entire team at California Zoroastrian Center for providing an opportunity to be featured in their Journal.

Be Kind, Stay Home, Stay Safe! Ba Name Khuda